

تشکیل هفدهمین پلنوم (وسیع)

کمیته مرکزی حزب توده ایران

سیاسی، هیئت دبیران کمیته مرکزی را با اتفاق آراء انتخاب نمود.
۷- پلنوم، رفیق نورالدین کیانوری را، با اتفاق آراء، به مقام دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران انتخاب کرد.
۸- با قطعنامه عمومی درباره کار پلنوم، که با اتفاق آراء بتصویب رسیده، هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران پایان یافت.
هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، که در لحظات سوشالیستی در تاریخ انقلاب و میهن ما تشکیل شد، نه فقط با تصویب اسناد مهمی که راهگشای فعالیت آتی حزب است، بلکه بویژه با نشان دادن وحدت بیسابقه ایده‌آلود و یک سیاسی‌سازمانی در رهبری و در سراسر حزب، دارای اهمیت تاریخی است. بدون تردید، تشکیل پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی فصل‌نویسی را در تاریخ حزب ما در پیکار با خطر آلمان وایلی طایفه کارگری و در راه استقلال، آزادی و ترقی میهن ما گشوده است. مصوبات هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی می‌تواند و باید تمام نیروی حزب ما را برای تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران بسنجد کند.
استاد مصوبه پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، در «نامه مردم» انتشار خواهد یافت و به اطلاع همگان خواهد رسید.

دبیرخانه کمیته مرکزی
حزب توده ایران
۱۳۶۰ ار ۱۹

گزارش هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران
به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی، روز شنبه
۲۲ فروردین ۱۳۶۰ در «نامه مردم» انتشار خواهد یافت

لتونید برژنف

پاسداری از اردوگاه سوسیالیسم، یعنی دفاع از صلح و امنیت جهانی

این حزب بگونه‌ای استوار بر مواضع مارکسیستی-لنینیستی تکیه دارد و این خود بهترین ضامن تحول قابل اطمینان چکسلواکی بی‌سوی مراحل جدید و یسرت اجتماعی است. کشورهای سوسیالیستی همواره هدفهای ژرفتر و بفرخ‌تری را در زمینه جامعه سوسیالیستی یسرت تحقق می‌بخشند و در پیشبرد این امر با مقاومت روزافزون و گاهی نیز آشکارا خصمانه از سوی تجاوزگرترین نیروهای امپریالیستی دربرو می‌شوند.

۶۰ بیانات مهمی ایراد کرد.
تکیه بر پایه‌های استوار سوسیالیسم بهترین ضامن پیروزی است.
لتونید برژنفه ضمن اشاره به تجربیات حزب کمونیست چکسلواکی در شش‌دهه اخیر، گفت:

در شازدهمین آنگره حزب کمونیست چکسلواکی، که اینک در پراگ به کار خود ادامه می‌دهد، لتونید برژنفه دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت ریزه شورای عالی اتحاد شوروی در روز ۱۸ فروردین

دشمن وارد کردند.
دشمن در «خورماله» ۶ کشته و ۸ زخمی داد.
شب ۱۹/۱۲/۵۹، پیشمرگان حزب دمکرات کردستان عراق به شهرستان میرگسور - استان اربیل رخنه کردند و با آرمی-جی به مرکز سازمان امنیت میرگسور، حمله کردند. آنها سپس با سلاحهای سنگین و بی‌رویه پاسگاه حفاظتی مرکز و سنگر داخلی آن‌اتس گشودند و خسارات زیادی بر

حمله به مرکز سازمان امنیت «میرگسور»
شب ۱۹/۱۲/۵۹، پیشمرگان حزب دمکرات کردستان عراق به شهرستان میرگسور - استان اربیل رخنه کردند و با آرمی-جی به مرکز سازمان امنیت میرگسور، حمله کردند. آنها سپس با سلاحهای سنگین و بی‌رویه پاسگاه حفاظتی مرکز و سنگر داخلی آن‌اتس گشودند و خسارات زیادی بر

حزب دمکرات کردستان عراق است که از شرکت کنندگان در جنبه متحد نیروهای مترقی و انقلابی عراق نیز هست. «نامه مردم» بحکم روش همیشگی خود، که پیشینیان از مبارزات ضد امپریالیستی و آزادیخواهانه کلیه نیروهای انقلابی علیه رژیم‌های دیکتاتوری و وابسته است، گوشه‌ای از مبارزات جانبازانه پیشمرگهای این سازمان مترقی خلق کرد عراق را برای آگاهی مردم مبارز ایران منتشر می‌کند.

اطلاعیه مهم

دادستان کل انقلاب اسلامی ایران درباره فعالیت احزاب و گروههای سیاسی

از طرف دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران، دیروز اطلاعیه مهمی در مورد فعالیت احزاب و گروههای سیاسی، منتشر شد متن کامل این اطلاعیه بقرار زیر است:
بسمه تعالی
بیدنیوسیه با اطلاع میرساند که از تاریخ صدور این اطلاعیه، مورخ ۱۳۶۰ ار ۱۹، کلیه احزاب و گروهها: مؤلفند این نکات را رعایت کنند:
۱- نشر مطبوعات، روزنامه، هفته‌نامه، ماهنامه، سالنامه، منوط به کسب اجازه از وزارت ارشاد اسلامی است.
۲- برگزاری میتینگ و تظاهرات یا توجیه به شرایط جنگی، منوط به اجازه وزارت کشور است.
۳- ایجاد دفاتر حزبی و گروهی، منوط به اطلاع وزارت کشور است تا امکان نظارت قانونی از جبهات مذکور در اصل ۲۶ قانون اساسی فراهم باشد.
۴- هیچ حزب و گروهی حق مسلح کردن اعضا و استفاده از سلاح را ندارد و متخلفین تحت تعقیب قانونی قرار می‌گیرند.
۵- از تاریخ صدور این اطلاعیه، کلیه احزاب و گروههای مسلح مؤلفند سلاحهای خود را به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یا مقامات انتظامی یا اخذ رسید تحویل دهند.
۶- کلیه احزاب و گروههایی که بر ضد جمهوری اسلامی ایران اعلام مبارزه مسلحانه کرده‌اند، چنانچه موضع قبل خود را رها کنند و سلاحهای خود را تحویل سپاه پاسداران یا مقامات انتظامی دهند و موضع جدید خود را رسماً اعلام نمایند، می‌توانند در چارچوب قانون فعالیت سیاسی داشته باشند، در غیر اینصورت طبق قانون در دادگاههای انقلاب محاکمه میشوند و بر اساس قوانین اسلامی مربوط به محاربه یا آنها رفتار خواهد شد.
۷- کلیه احزاب و گروهها در بیان آراء و افکار سیاسی آزادند بشرط اینکه مشتمل بر دوزخ، تمهت و تحریک نباشند.
۸- احزاب و گروهها مجاز به شویق و تحریک به انحصار، کم‌کاری، تمسین یا هر نوع اخلال در موسسات مختلف کشور هستند و چنانچه مواردی مشاهده شود، متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.
۹- کلیه احزاب و گروهها اجازه مناظره و بحثهای عقیدتی و سیاسی از طریق وسائل ارتباط جمعی را در حدود امکانات دارا می‌باشند، مگر آنها که اعلام مبارزه مسلحانه بر ضد نظام جمهوری اسلامی کرده و موضع خود را تغییر ندادند.
۱۰- کلیه احزاب ملت و دستگاههای انتظامی موظف به تمسین و رعایت آزادی فعالیت قانونی احزاب و گروههایی که فعالیتشان از طریق مقامات مسئول مملکتی، غیرقانونی اعلام نشده می‌باشند. مقامات قضائی و انتظامی موظف به اجرای این تسمیات هستند و احزاب و گروههای متخلف، طبق موازین محاکمه و مجازات میشوند. این اطلاعیه برای دادسرا و دادگاههای انقلاب سراسر کشور، حکم دستورالعمل کلی را دارد.
دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران
علی قلیوسی

اطلاعیه دادستان کل انقلاب گام مهمی در راه تامین حاکمیت قانون در سال «حکومت قانون» است

عملیات مسلحانه مبارزان عراق علیه رژیم چایکتار صدام، پیوسته گسترش می‌یابد. پارتیزانهای گروه‌های مبارزه، که علیه رژیم صدام حسین با یکدیگر متحد شده‌اند، پیوسته به مراکز سازمانهای چایکتار رژیم و مزدوران آن‌پورش می‌برند و تلفات سنگینی به دشمن وارد می‌سازند. از جمله سازمانهایی که سلطانه علیه رژیم صدام مبارزه میکنند

نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال سوم، شماره ۴۸۲
پنجشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۶۰، مطابق با
۴ جمادی الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵۰ ریال

ما اعضاء و هواداران صدیق سازمان مجاهدین خلق ایران، راه که بیش از «سازمان» خود به حقیقت و انقلاب تمهید دارند، به خواندن این مقاله و داوری درباره دماوی آن دعوت می‌کنیم.

آنسوی چهره رهبری مجاهدین خلق

«مجاهدین خلق» دیروز سازمان «بیکار» را «چپ‌نما»، «متصرف» و «خائن» به جنبش معرفی می‌کردند، و امروز «بیکار» را «انقلابی» و عضو «جبهه متحد» خود می‌دانند. رهبری مجاهدین خلق، با هر گام که به «بیکار» و شرکات نزدیک شده، از نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست ایران و جهان فاصله گرفته است.
صفحات ۴ و ۵

یک تپه استراتژیک از دست متجاوزین عراقی خارج شد

در ادامه نبرد بین نیروهای زمیندار ایرانی با متجاوزین صدامی، از سوی «روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» اطلاعیه‌ای بی‌امون قسمتی از عملیات جبهه‌های جنوب و غرب کشور، در روزهای شانزدهم و هفدهم فروردینماه سال جاری انتشار یافت. در این اطلاعیه از جمله آمده است:
در جبهه‌های غرب، در منطقه ریجاب باصری قلمه کوخاره یک تپه استراتژیک که در اختیار متجاوزین بود، تحت کنترل سپاه پاسداران درآمد. بدینا این عملیات یک دستگانه تا، یک چادر مهمات و یک خودرو دشمن منهدم و یک تپه در صفحه ۴

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

اطلاعیه دادستان کل انقلاب، گام مهمی در راه تأمین حاکمیت قانون در سال «حکومت قانون» است

اطلاعیه مورخ ۱۹ فروردین دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران در مورد فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی، تصحیح و تکمیل صورت گرفته است. در راه تأمین حاکمیت قانون در آغاز سال رهبر انقلاب، امام خمینی، آرا سال «حکومت قانون» تمهیدات

اطلاعیه دادستان کل انقلاب که روح قانون اساسی را در مورد آزادی فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی، ممنوعیت میثاق، بنبراز سایه انحصارطلبی که در گذشته جزو آزادی و تنوع در جامعه تأثیر داشته و مورد سوء استفاده جدی ضدانقلاب و وابستگان به امپریالیسم آمریکا از طریق پنهان شدن زیر لوای «آزادیخواهی» قرار گرفته است، اصل آزادی فعالیت سالم سیاسی، فعالیت مطبوعاتی، داشتن دفتر و استفاده از وسائل ارتباط جمعی را برای احزاب و گروه‌های سیاسی مورد تایید و کیفر قرار داده و چنین

گروه‌های که «اصلاح میاز» سلطانه بر ضد نظام جمهوری اسلامی کرده‌اند، دیگر گروه‌ها را در آرزو عقاید و فعالیت‌های سیاسی، مجاز اعلام می‌کند. اطلاعیه دادستان انقلاب جمهوری اسلامی ایران همچنین به گروه‌هایی که تا قبل از صدور این اطلاعیه علیه جمهوری اسلامی ایران دست به اعمال مسلحانه می‌زدند، ولی اکنون حاضرند سلاح‌های خود را تحویل دهند و با اعلام مواضع جدید، از روش پیشین خود دست بردارند نیز امکان‌پذیر است. فعالیت سالم سیاسی، قائل می‌شود که درخور تعیین است.

اطلاعیه، روش‌های مغرب و تحریک و تفریق در احزاب، کمرنگ کردن یا ممنوعیت فعالیت‌های مختلف گروه‌ها را که جز بنوع دشمنان انقلاب و جز به زیان مصالح جمهوری اسلامی ایران نیست، فرو خواهد نشاند و اتحاد نیروهای خلق را در جهت مقابله با دشمن اصلی و توطئه‌گر انقلاب یعنی امپریالیسم آمریکا، محکم خواهد کرد.

«آزادی» در آلمان فدرال!

به گزارش خبرگزاری‌های امپریالیستی پاریس، برن، فری با دیگر درخته‌های اخیر نمونه دیگری از نحوه زندگی در جهان آزاد را نشان داد. پلیس برن فری که مدعی آزادی بودن است به زانفتنیان برن فری حمله کرد. حمله ۴۰۰ پلیس مدافع سرمایه‌داران فارتاک آلمانی برای پس گرفتن ۱۲۰ ساختمان شهر بود که زانفتنیان آنها را به تصرف درآوردند.

نیاز مبرم کشاورزان منطقه دشت مغان به سموم ضد آفات نباتی

کشاورزان منطقه دشت مغان جهت جبران کمبود سموم ضد آفات و توطئه‌های برای غلبه بر تاجران و سرمایه‌داران، نیاز مبرم دارند به سموم ضد آفات نباتی. در کنار این توطئه‌های جنسیتی، ضدانقلابیون افغانی قرار دارند که امنیت این منطقه را برهم می‌زنند. آنها با تهدید مستمر اقوام، باجگیری، شایه پراکنی علیه حکومت و دولت انقلابی افغانستان، قاچاق ارز و مواد مخدر و اسلحه، زنده نگه داشتن راهزنی و قتل مهابت زندگی را بر مردم تک‌گرددان و دو حقیقت مجری صورتات آذربایجان امروزی خود علیه جمهوری اسلامی ایران و رهبری انقلاب هستند. در همین زمینه برای نمونه باید موضوع افغانستانی را به یاد داشت که در این قلمه، که تاکنون آن را کارگران و زحمتکشانی ایرانی تشکیل می‌دهند، تعداد کثیری از مردم زندگی می‌کنند که این مسئله باعث اختلال در روند زندگی این قلمه شده است. هرچه بر تعداد افغانی‌های متباین قلمه افزوده می‌شود، مواد و اوراق عمومی کاهش می‌یابد و تجاوز به کودکان، ذره و قاچاق قریبی می‌گردد.

قابل توجه مدافعان «جهان دوم»!

باید اعلام ارسال مهابت فرانسوی و تحویل مرازهای جدید به‌زیست جانیکار سمدان، وزیر تجارت خارجی فرانسه، وارد بندر شد. در ملاقات وزیر تجارت خارجی فرانسه و مقامات بلندپایه رژیم صدام، برحسب تقاضای دو جانبه بین مسلمانان و فرانسه بویژه در ارتباط با فعالیت‌های تروریستی و فراق وادامه ارسال اسلحه فرانسه به عراق تأکید شده است.

سفر وزیر تجارت خارجی فرانسه امپریالیست به عراق، جهت ارسال اسلحه بیشتر برای رژیم صدام علیه ایران انقلابی، بقول حجت‌الاسلام محمدحسین انزلی، نماینده تیرین نمود نشانه و حجتی است بر اینکه فرانسه و کشورهای اروپائی (قریب) هم راه آمریکا را می‌پوشد. (جمهوری اسلامی ۱۹ فروردین) این سفر بار دیگر گمان کرد که جهان دوم مستقل از آمریکا، یک تئوری رسوا پیش نیست و بقول مرتضی مصدق نماینده قریب در مجلس شورای اسلامی: فرانسه یک کشور امپریالیست است. همان‌گونه که آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی وابسته به آمریکا از انقلاب ما شرمه دیدند، فرانسه هم خود نه‌تنها خوشش نمی‌آید، برای نابودیش تلاش می‌کند. (مهابت)

ضد انقلاب در لباس «پاسداران» مردم را تهدید می‌کند

روایت عمومی کتبه مرکزی انقلاب اسلامی تهران طبعی اطلاعیه‌ای دیروز اعلام داشته، اخیراً عناصر متشوک و فتناساز با معرفی خود بعنوان پاسدار کتبه انقلاب اسلامی در ساتات مختلف شایعه‌رزم خصوصا در شبها به خانه بیضی از اهالی محترم تهران تلف‌ن زد و یا مراجعه نموده و با تهدید و ارعاب ایجاد مزاحمت می‌نمایند (اطلاعات - ۱۹ فروردین ۱۳۶۰)

این اطلاعیه از یکی دیگر از شرکده‌های ضدانقلاب برای بدین کرم مردم به نپایه‌های انقلاب برده بر می‌دارد. روشن است که کتبه‌ها تحت نام پاسداران و یا به بهانه‌های دیگر بدون داشتن کارت شناسایی و برگ مأموریت متبر به خانه‌ها مراجعه می‌کنند عناصر ضدانقلابی هستند. همانطور که در اطلاعیه یاد شده آمده است باید بلاغله اینگونه حال ضدانقلاب را به نپایه‌های انقلاب معرفی کرد. کتبه مرکزی انقلاب اسلامی شماره تلفن ۱۱-۳۶۰۰۰۰ را به این امر اختصاص داده است.

نیروی دیگری از امپریالیسم خبری

آیت‌الله منتظری با تکذیب صحابه فروتیه، یاز دیگر ماهیت امپریالیسم خبری را به هنگام نشان داد. روز شنبه گذشته (۱۸ فروردین) روزنامه انگلیسی زبان تهران تایمز، چاپ تهران صحابه‌های را از آیت‌الله منتظری چاپ کرد. خبرگزاری انگلیسی فروتیه، بلافاصله متن این صحابه را تعریف و به سراسر جهان مخابره کرد. مطابق این متن، فروتیه، صحابه آیت‌الله منتظری، نماینده برای تأیید ایران برای برقراری تناسبات حسنه و دوستانه با آمریکا آزادی شده است. به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی خبرگزاری فروتیه این صحابه را آنتی‌جوانانه‌ترین لابی‌راپی از سوی یک مقام بلندپایه از زمان قطع مناسبات دیپلماتیک بین ایران و آمریکا تلقی کرده است.

آیت‌الله منتظری در تلمیح با روزنامه جمهوری اسلامی خبر تعریف شده خبرگزاری امپریالیستی فروتیه را تکذیب کرد و گفت: «این خبرگزاری حرف‌های مرا تعریف کرده است و من اظهار تمایل برای ایجاد روابط سیاسی با آمریکا را قویا تکذیب می‌کنم» (۱۹ فروردین ۱۳۶۰)

و باین ترتیب نیروی دیگری از امپریالیسم خبری رسوا شد. این رسوائی باید مورد توجه مطبوعات طرفدار انقلاب قرار بگیرد که هنوز متأسفانه درصد عمده اخبار آنها از منابع امپریالیستی کسب و درج می‌شود.

بدهقان پنه کار شهری فوراً تخم پنه بر سائید

مقارین قابل توجهی از زمینهای زیر کشت افران شهر ری به کشت پنه اختصاص دارد. کشاورزان همسایه باید حاکم کار تا پایان فروردین ماه به کشت پنه اقدام کنند و در این لحظه، نیاز حیاتی به تخم پنه دارند. از قرام معلوم اسامع انصار تأمین تخم پنه را دولت خود راسا بپست گرفته است و اداره کشاورزی مأمور است که میزان بدهقان را برآورد کند. ولی در تاریخ پانزدهم فروردین ۱۳۶۰، بدهقان پنه کار به اداره مزبور مراجعه کرده و خواستار تخم پنه مورد نیاز شده‌اند. به آنها گفته شد که ضلالت تخم پنه ندارند و فروردین سر برزنه اگر بوده خواهند داد. این عدم اطمینان به‌شدت تخم پنه و تردیدی که بوجود آمده، موجب نگرانی بدهقان پنه کار شده است. آنها باید هماکنون بکارند و فرست، اگر دیر شود از دست خواهد رفت.

مسرازه از مقامات مسئول طلب می‌کنیم که به این هواس اساسی پنه کاران توجه کنند و هرچه زودتر تخم پنه را، که یک کالای وارداتی هم نیست و همسایه میشد آنها به آسانی تحصیل کرد و مرکز اصلاح بند هم خود بهترین انواع آنها تهیه میکنند. در اختیار کشاورزان قرار دهند.

جهان زو پای «سرمایه» می‌لرزد

دو تن پرست فرانسه بیشتر از ۱۰۰۰ نفر برای اعلامیه‌های کتبی کارگران انحصاری تعمیرکار کتبی دست به تظاهرات زدند. در همین حال اتحادیه کارگری فرانسه از ۲۰۰۰ تعمیرکار دیگر کتبی دعوت کرد و به انحصار کارگران تعمیرکار کتبی که وارد بیستوسومین روز خیزش است بیرونشد. علاوه بر این ۲۰ هزار نفر از کارکنان شرکت هواپیمائی فرانسه هم دست به انحصار زدند. خبرگزاری‌ها از ۲۰ نفر خبر می‌دهند که گروهی از کمپانی‌های

به وضع صدها هزار افغانی مقیم خراسان هر چه سریعتر رسیدگی کنید

وجود صدها هزار افغانی در استان خراسان، که بطور عمده در مناطق پایتخت، قزوین، تبریز، مشهد و گمشهر پسر می‌رند، مشکلات جدی سیاسی، اقتصادی، امنیتی و شغلی برای اهالی این نواحی ایجاد کرده است. بیشتر این افغانیها را زحمتکشانی تشکیل می‌دهند که براتی تحریکات فودالها و تجار و سرمایه‌داران افغانی، پس از انقلاب توره به ایران گریخته‌اند و متأسفانه در همان ایستاد در جستجوی کار، در دام توطئه‌های ضدانقلابیون افغانی افتاده‌اند. علت این امر نیز بیشتر آن است که افراد مزبور با گرفتن کارت یکی از گروه‌های مجامعه افغانی و یا دادن مبلغی حدود ۱۰۰ تومان، قادرند در ایران بمانند و کار کنند. خوشبختانه در ماههای اخیر عمده زاریهای این زحمتکش به‌منابت ضدانقلابیون این گروه‌های آمریکاساخته هم‌رده و خصم به بازگشت به وطن انقلابی خویش گرفته‌اند.

اعلامیه سازمان ایالتی حزب توده ایران در فارس: ایجاد تشنج در استان فارس از حلقه‌های شوم توطئه هفتم آمریکا است

باید اعلام حواصت اخیر شیراز و درگیری این شهر، سازمان ایالتی حزب توده ایران در فارس اعلامیه‌ای منتشر کرد در این اعلامیه آمده است: «بایدال درگیری‌های پراکنده که از مدتها پیش در شیراز جریان داشته روز شنبه ۱۵ فروردین ۶۰ قسمتی از شهر، در حوالی میدان شمشاد، خیابان اسدی و خیابانهای قهرمانت و لطفعلی‌خان، دستخوش تشنج و درگیری شدیدی شد. در حواصت این روز یکصد بیستی مجروح گردید که پس از انتقال به بیمارستان درگذشت.»

آفتکش‌های این چنین را در سطح شیراز نباید و نمی‌توان سانه انگشت امپریالیسم جهانی یسر کرد. امپریالیسم آمریکا پس از آنکه در توطئه تشنج مجبوریت جنگ و تجاوز داروست سمدان علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران با موفقیت دور برگردید اینک دست‌اندر کار اجرای توطئه هفتم است. یکی از حلقه‌های زمین این توطئه شوم آمریکا ایجاد جوی آشفته و پریشان در استان فارس است و این حلقه‌ها است که فداکاری نرغزندان انقلابی خود انقلابی ما در جبهه غرب و جنوب با ایثار و فداکاران خود علیه دشمنان جمهوری اسلامی ایران و برای حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلابی و رژیم نوای انقلابی ما در برنند.

امپریالیسم آمریکا با ایجاد تشنج و کوشش در پیرو آوردن تشنج در پست جبهه می‌تواند نیروی متعهد مردم ما را تضعیف کند. خصایف نیست که این خصم فساد حاکم با قضا و آتومبای لاهیجان، راسر، قه قزوین، تبریز و آذربایجان اینک در فارس هم توسط مملکت خود یعنی دشمنان مسخوره انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پلوا برآید. من‌اندرند.

از آغاز سال نو از یک طرف به تحریک فودالها و خاندانهای سلسله و دلبارک شایخا بر دهقانان مسرو و تحریک قزوی یافت و از طرف دیگر نسبت به چنان حجت‌الاسلام شیخ علیرحیم روانی شیرازی نمایندگی امام در فارس و عضو شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سوخته شد و در شهر محیط تاراجی و فاشی شدن یافت.

اینک ضدانقلاب سلزمن‌ایافته به‌کک گروه‌های مائوئیستی آمریکایی تمام تلاش خود را بکار می‌برد تا از یک طرف در مناطق سکونت هم‌پیمان چنگزده خنجره‌ها با سوء استفاده از نارسائی‌های ناشی از شرایط دشوار جنگی و از سوی دیگر در بین افراد ناگاه خیزش‌ورستانی در شهر رسوخ کند و با قضا و حاشینده ۱۵ گاه خیزش‌ورستانی در شهر رسوخ کند و با قضا و حاشینده آنها علیه یکدیگر بریزد. این کارگران حرفه‌ای به فرانسوی ضدانقلاب سلزمن‌ایافته بر طبق یک تفتیش مخصوص مرتبا فعالیت را در حول و حوش مناطق سکونت هم‌پیمان چنگزده و در میان آنها اماکن بر از دست می‌برد. بویژه در لحظه آغاز رفت و آمد روزانه و تحویل شدن محاسر بر می‌گردند و فعالیت می‌دهند.

با تبدیل از چنین اوضاعی است که سازمان ایالتی حزب توده ایران در فارس با نچلب توجه کلیه هم‌پیمان خویشانی به پیام وحدت آمرین و مهم امام خمینی در آستانه سال نو و تأکید رهبر انقلاب بر حفظ آرامش و جلوگیری از ایجاد تشنج و اظهارات صریح نخست‌وزیر و دیگر مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران مبنی بر رسیدگی به وضع و حل مشکلات هم‌پیمان چنگزده خویشستانی، و وضعیت حساس سلک اعلام می‌دارد که ضروری‌های فاشی از وضع موجود و تحویل سند از طرف ضدانقلابی امپریالیسم آمریکا چنانیکار فقط می‌تواند در چارچوب مصالح انقلاب حل گردد.

ما به آنها می‌گوییم که قصد دارند مسائل فساد کونی را با ایجاد درگیری و قرازدان مردم دو در روی یکدیگر حل کنند. حتمنا می‌دهیم که این روش‌ها تنها به وحدت مردم شریه زده و دشمنان انقلاب و جمهوری نوای ما را خوشحال می‌کند.

با تأکید بر اعلامیه امامیه شیراز حضرت آیت‌الله مستطین در جهت دعوت مردم به وحدت و اعلامیه روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شیراز می‌رین بر خنجر کرم توطئه‌های شیطان و مزدوران حلقه‌های آمریکا در ارتیل با حوادث اخیر، سازمان ایالتی حزب توده ایران در فارس از ارتگانه‌های انقلابی بویژه سپاه پاسداران انقلاب دارد که نسبت به آنتی‌ریدان مرکه تشنج و آشوبگران این توطئه ضدانقلاب قلمه هرگز خورد کند و با تکذیب سفار حوادان انقلاب از نیروهای ضدانقلاب، به هر شکل که خود را نشان دهند راه را بر افاضات خنجره آتومبیلی آنها سد کند.

حزب توده ایران - سازمان ایالتی فارس مانتد همیشه حاضر است اسکاات خود را در اختیار نهادهای انقلابی و مقامات مسئول سلک در استان قرار دهد و در زمینه مبارزه با ضدانقلاب و خنجر کرم نقش ویرانگر آن به‌منظور جلوگیری از تشنج و حفظ آرامش کلیه مسای خود را بکار برد.

سازمان ایالتی حزب توده ایران در فارس شیراز - ۱۸ فروردین ۱۳۶۰

کوره پز خانه‌ها:

در اطراف تهران شش منطقه کوره پزخانه وجود دارد که عبارتند از: خاتون آباد، محمودآباد، قریحک، اسمعیل آباد، دولت خان، شمس آباد و یافت آباد.

۱۶ ساعت کار در روز

هنوز نور شفق در دل سپاه شب نتابیده است که کارگران از خواب بومی خیزند و در حین کار و تلاش به استقبال روشنائی صبح می روند. کارگران پس از شانزده ساعت کار، وقتی که دیگر خورشید به کنج آسمان فرو می رود، با تنی خسته و گوفته به کنج دخمه های سپاهی به نام اطاق می روند. این منازل از هیچ گونه اصول بهداشتی و رفاهی برخوردار نیستند. در بعضی از کوره های قدیمی، تعدادی از منازل بر روی قمبر (معلی که در آن آجر می پزند) واقع است و دارای حرارت غیرعادی است.

شدت استثمار در کوره ها

در محوطه کوره، کارگران با بستن تکماریهای بر سر، با سروصورت و لباس پر از دود و گرد و خاک، مشغول کار هستند. در چهارمها فقط چشمان بی رمق و لباس رنگ برید محکایت از زنده بودن می کند.

حقوق کارگران بصورت کارمزدی است، بطوری که می توان گفت: "هر که کارش بیش، مزدش بیشتر". منتی اگر کارگری مرضی شود، یا به مرخصی رود یا حتی از تعطیل هفتگی و تعطیلات رسمی استفاده کند، مزدی دریافت نمی کند. کارگران حتی روز ۲۲ بهمن، سالروز جشن انقلاب، راهم کاری کنند. کارفرمایان با هزار دوز و کلک و سوءاستفاده از بیسوادی، آگاهی اندک و پراکندگی کم پیش کارگران سعی در عدم پرداخت مزایای کارگران دارند. مثلا پرداخت حق مسکن، حق اولاد و خوابگاه، که طبق مصوبات قانونی باید به آن ها تعلق گیرد، به عنوان ۱۰٪ افزایش حقوق موصوب سال محاسب آید است. با این که از کارگران چه دائم و چه فصلی، حق بیمه کسر می شود، ولی پول آن به ادارت بیمه پرداخت نمی شود و به این ترتیب هیچ یک از کارگران کوره پزخانه بیمه نیستند. بدون افرای می توان گفت کم شدت استثمار در کوره ها به مراتب بیش از استثنای است که به بخش های دیگر طبقه کارگر ایران تحمیل می شود.

ترکیب کارگران کوره پزخانه ها

بطور کلی کارگران کوره پزخانه های تهران از روستاییان مهاجر اطراف خراسان، آذربایجان و همدان هستند:

الف: کارگران خراسانی:

این کارگران عموماً به مشهدی هستند و عموماً از شهرهای تربت

آنجا که کوره عمر کارگران شعله می کشد و می سوزد!

باید توجه داشت که اگر کارگران انجمن صنفی (سندیکا) نداشته باشند، یکی از وظایف آن تشکیل شرکت تعاونی است، که هیئت مدیره آن هم منتخب کارگران خواهند بود. در ارتباط با تشکیل شرکت تعاونی، تاکنون اقداماتی صورت گرفته است. در این زمینه می توان از همکاری شرکت های تعاونی شهر و روستا با کوره پزخانه ها نام برد. باید اضافه کرد که شرکت های تعاونی زمانی برای کارگران سودمند خواهند بود که کارگران در اداره آن شرکت مستقیم داشته باشند. تنها در این صورت دست کارفرمایان سودجو از شرکت های تعاونی کوتاه نخواهد شد.

خواسته های عمومی کارگران

خواسته های عمده کارگران کوره پزخانه عبارتند از:

- ۱- ایجاد سندیکا و شورا،
- ۲- ایجاد شرکت های تعاونی،
- ۳- ایجاد مسکن، حمام، توالی، دست شویی و ظرف شویی های مناسب، هم چنین تأمین آب آشامیدنی ضد عفونی شده و سالم و تهیه مکان های مناسب برای ریختن زباله.

- ۴- گازسوز کردن تمام کوره ها،
- ۵- تأمین لباس کار، دستکش، عینک محافظ چشم در مقابل نفوذ گرد و خاک و ماسک و کلاه محافظ.

- ۶- اجراء دقیق قانون کار در کوره پزخانه ها و کنترل وزارت کار و نهادهای کارگری بر آن، در این مورد نباید هیچ گونه تبعیض بین کارگران فصلی، خراسانی و آذربایجانی باشد. باید توجه داشت که تمام کارگران، چه فصلی و چه دائم و بدون استثنا زیر پوشش بیمه قرار گیرند. کودکان خردسال از کار در کوره ها باید منع شوند. در مقابل حقوق سرپرست خانواده افزایش باید. و نیز اجرای قانون بازنشستگی و از کار افتادگی و پرداخت حقوق در مواقع بیماری و با ایجاد سانحه بمورد اجرا گذارده شود.
- ۷- کنترل میزان افزایش حقوق طبق ضوابط موجود، و هم سطح کردن حقوق کارگران کوره پزخانه با سایر کارخانه ها.

- ۸- توفیق کارمزدی و کنتراتی،
- ۹- اجرای ۸ ساعت کار در روز و ۴۴ ساعت در هفته، در صورتی که حقوق کارگران کفاف زندگی آن ها را بدهد.

- ۱۰- کمک دولت به کارگران مهاجر روستایی برای اشتغال به کار کشاورزی در ده، در غیر این صورت از جانب دولت تدابیری اتخاذ شود، تا کارگران در مقول بیگاری (پاییز و زمستان) اجیر کارفرما نشوند.
- ۱۱- سرمایه گذاری دولت برای ایجاد کارخانه های آجر ماشینی و ماشینی کردن کوره های آجرپزی و حمایت از این گونه کارخانه ها.

مراکز بهداشتی خبری نیست، بطوری که اگر کسی مریض شود، مجبور است به شهر برود و همه هزینه درمان را خود بعهده گیرد.

مبارزات کارگران کوره پزخانه ها

کارگران کوره پزخانه ها سابقه مبارزاتی درخشانی دارند. آن ها در زمان حکومت رژیم ضدکارگری شاهملعون بارها دست به اعتراض های وسیعی زده اند. به عنوان نمونه می توان از طاقچه خراسا هستند، تا ذخیرهای برای دو فصل پاییز و زمستان فراهم کنند. لازم به تذکر است که در این دو فصل بیگاری، همواره کارگران هشتاد و نه تنان است، چون سرکارگران و سلف خزان به ده می روند و با پرداخت چند روز کار، آنان را برای کار در فصل های بهار و تابستان اجیر می کنند. ناگفته نماند که به علت فصلی بودن کار، کارفرمایان به هیچ وجه قانون کار را در مورد کارگران اجیر نمی کنند. حتی وزارت کار هم آنان را مشمول قانون کار نمی دانسته، چون با این که حق بیمه از حقوق کارگران کسر می شود، و در نتیجه بیمه به آن ها تعلق نمی گرفته است.

مشکل کارفرمایان

کارفرمایان، برعکس کارگران، در اتحادیه مستفخ فخر متشکل هستند. این مسئله را باید با اهمیت تلقی کرد، چون کارفرمایان به وسیله این اتحادیه، علاوه بر استثمار کارگران، بازار فروش مصالح ساختمانی را در اختیار دارند و می توانند قیمت ها را به دلخواه خود تعیین کنند.

تهیه مواد اولیه ارزان (خاکو سنگ آهک و گچ)، نیروی کار انسانی ارزان و بکار بردن وسایل ابتدایی کار، در کنار قیمت سرسام آور مصالح ساختمانی، نشانه غارت بی حد و حصر کوره داران است. نظارت دولت بر فروش محصولات تولیدشده و عملکردهای این اتحادیه می تواند کنترلی بر قیمت های مصالح ساختمانی، که یکی از مهم ترین مشکلات ایجاد مسکن است، باشد. ضمناً باید در پی ملی شدن مادن، تمامی مادن سنگ آهک و گچ و خاک را ملی کرد، تا از بهره برداری بیرویه خاک در مناطق کوره پزخانه ها، که باعث کودال های عمیق می شود و زمین های کشاورزی را از بین می برد، جلوگیری بعمل آید.

ایجاد شرکت های تعاونی

فقدان شرکت های تعاونی یکی از مشکلات عمده کارگران است، بر آن ها مجبورند با محتاج زندگی خود را به قیمت گزافی تهیه کنند. به تازگی تلاش برای ایجاد شرکت های تعاونی، با همکاری وزارت کار، آغاز شده است و کارفرمایان موظف شده اند در آینده نزدیک، در مناطق شش گانه کوره پزخانه ها، شرکت های تعاونی بسازند.

حیدریه، تربت جام، گناباد و میروچند به تهران می آیند. آنان به مشترک کشاورزان بی زمین و یا کم زمین هستند، که به علت عدم رونق کشاورزی در آن مناطق و وجود روابط سنتی کشاورزی و سلفه خان ها و اربابان، ترک دیار می کنند و دو فصل بهار و تابستان را به اتفاق خانواده های خود در کوره پزخانه ها به کار می پردازند. کار آن ها گل سازی، قالب زنی خشت و انبار کردن آن است. حتی کودکان خردسال و زنان حاملو مانند هم مجبور به انجام این کارهای طاقت فرسا هستند، تا ذخیرهای برای دو فصل پاییز و زمستان فراهم کنند. لازم به تذکر است که در این دو فصل بیگاری، همواره کارگران هشتاد و نه تنان است، چون سرکارگران و سلف خزان به ده می روند و با پرداخت چند روز کار، آنان را برای کار در فصل های بهار و تابستان اجیر می کنند. ناگفته نماند که به علت فصلی بودن کار، کارفرمایان به هیچ وجه قانون کار را در مورد کارگران اجیر نمی کنند. حتی وزارت کار هم آنان را مشمول قانون کار نمی دانسته، چون با این که حق بیمه از حقوق کارگران کسر می شود، و در نتیجه بیمه به آن ها تعلق نمی گرفته است.

ب: کارگران آذربایجانی:

این کارگران هم از روستاییان بی زمین هستند و اغلب بطور دائم در چهار فصل کار می کنند. معمولاً کارهای سخت کوره مثل چرخ کشی، کوره چینی، آجرپزی و تشکری به عهده آنهاست. سن آن ها همولاً بین ۲۰ تا ۲۵ سال است، چون این گونه کارها فقط از عهده جوانان نیرومند برمی آید.

بهداشت در کوره ها

گرد و خاک، بوی مواد نیم سوخته و دود سیاه حاصل از احتراق ناقص مواد سوختی کوره، گویای هوای غیر بهداشتی اطراف کوره است، که باعث بیماری های ریوی، پوستی و چشم درد می شود. کار سخت چرخ کشی، گل سازی کوره چینی و قالب زنی باعث بیماری های چون واریس، درد مفاصل، استخوان درد و کمردرد می شود.

به علت کار با خاک و عدم رعایت اصول بهداشتی، نداشتن حمام، توالی، دست شویی و ظرف شویی بهداشتی و وجود محیط آلوده به مگس و انواع پشه ها، کارگران اغلب به بیماری های کرم روده، کم خونی، سرگیجه و حتی مسمومیت های غذایی مبتلا می شوند. در دسترس نبودن آب آشامیدنی سالم و استفاده از چاه های آب غیر بهداشتی باعث تشدید این نوع بیماری ها می شود.

پایین بودن کیفیت غذایی، مصرف غذاهای پرچربی کم پروتئین و فاقد ویتامین، باعث ابتلا کارگران به بیماری های زخم مدوموم مد می شود. در کوره پزخانه ها از درمانگاه و

تولید را در کارخانه چو کا بالا ببرد!

کارخانه چو کا دره ۳ کیلومتری بندرانزلی واقع است. محصول این کارخانه کاغذ چوب است و ۲۰۰۰ نفر اعم از کارگر، مهندس، کارشناس، در آن مشغول به کار هستند. این کارخانه که به ماشین آلات مدرن مجهز است، هم اکنون تولیدی در حد بیست درصد ظرفیت مجاز دارد. علل این مسئله به قرار زیر است:

- ۱- فعال نبودن مدیریت کارخانه در حل مشکلات،
- ۲- کمبود سوخت،
- ۳- نبودن مواد اولیه،
- ۴- بی مسئولان امر است کارخانکات عظیم این کارخانه، حداکثر استفاده را بعمل آورند و با حل مشکلات فوق، در بالا بردن تولید، به کارگران باری برسانند.

به خواسته های برحق کارگران گمرک «سهلان» رسیدگی کنید!

چندی پیش عده ای از کارگران بارگیری خسته و تراورس گمرک سهلان - انبارهای عمومی ایران - برای احقاق حقوق خود نامه ای به عنوان اداره کل کار و امور اجتماعی استان آذربایجان شرقی نوشتند. رونوشت این نامه نیز برای استاندار آذربایجان شرقی، سازمان تأمین اجتماعی استان و دادگاه انقلاب اسلامی ایران مرکز تبریز ارسال شده است. خواسته های عمده کارگران عبارتند از:

- ۱- اجرای مقررات بیمه در مورد کارگران،
- ۲- رسیدگی به وضع کارگرانی که هنگام کار در اثر وقوع حادثه آسیب می بینند.

رسیدگی به شکایت کارگران از صاحبان شرکت های آذران و فردوسی، که بارگیری خسته و تراورس گمرک سهلان را بر عهده دارند، این کارگران بارها برای احقاق حقوق از دست رفته خود به مقامات مشغول شکایت کرده اند، ولی متأسفانه تاکنون به خواسته های برحق آنها پاسخی داده نشده است. مقامات مشغول باید تقاضای های قانونی این کارگران را مستحکم و شریف رامورد رسیدگی جدی قرار دهند.

به مشکل سهامداران جزء در کارخانه های سیمان «صوفیان» رسیدگی کنید!

شرکت سهامی عام کارخانه های سیمان صوفیان، قبل از انقلاب تصمیم به افزایش سرمایه شرکت گرفت. بدین منظور تعداد کثیری سهم برای فروش عرضه کرد. مقدار زیادی از سهام این شرکت، توسط سرمایه داران بزرگ و درباریان سابق، خرید شد و مقداری از سهام را نیز کارمندان و کارگران شرکت، به امید کمک هزینه مخارج زندگی، با فروختن وسایل زندگی خود، خریداری کردند. در جریان انقلاب، سرمایه داران و درباریان، که سهام داران عمده شرکت بودند، سهام خود را فروختند و به خارج از کشور گریختند. ولی سهام داران کوچک، که اکثر آنها کارمندان و کارگران هستند، سهام خود را حفظ کردند. بعد از پیروزی انقلاب، شرکت فوق ملی شد و سودی به سهام داران کوچک تعلق نگرفت.

چندی است که سهام داران کوچک شرکت مذکور به بانک و صنایع ملی مراجعه می کنند و پول سهم خود را، بدون سود، می طلبند، ولی با بی اعتنایی روبرو می شوند. این مسئله نگرانی و ناراضی سهام داران کوچک را برانگیخته است. ما از مسئولین می خواهیم که به مسئله فوق رسیدگی کنند و از بروز جو ناراضی، که ضد انقلاب سعی در بوجود آوردن آن در میان سهام داران کوچک دارد، جلوگیری کنند.

بود، وی از جمله علاوه بر حقوق رسمی خود، ماهانه مبلغی حدود صدوسی هزار ریال از صندوق کارخانه برداشتنی کرد. این مسئله ما را بر آن می دارد که هشدار خود را دوباره تکرار کنیم و از مسئولین امر بخواهیم که توجه خود را در برقراری مدیریت کارخانه ها افزایش دهند.

نمونه ای که از آن سخن رفت، استثنا نیست. متأسفانه در موارد متعددی دست های مدیران فاسد و ضد انقلاب در همه جنبه ها، اهتمام ها و تحریک های گوناگون کاملاً دیدمی - شود. تنها راه جلوگیری از خطرات مهلک سوء مدیریت، ایجاد فضای انقلابی در ادارات و واحدها است. اداره جمعی و اداره ها، با نظارت موثر شوراها و مسئولیت فردی هیات عامل، راه را بر دشمنان انقلاب سد خواهد کرد.

۳- استفاده غیرقانونی از وسایل و ماشین های کارخانه، تا حد نقل و انتقال وسایل منزل از تهران به رشت،

۴- بستن قرارداد فروش کره به شخص مورد نظر خود از قرار کیلویی ششصد ریال، در حالی که قیمت واقعی کره کیلویی سیصد ریال بود.

۵- استخدام غیر مجاز افراد بدون اجازه اداره نیروی انسانی و مقامات ذریعته.

۶- تهدید و یا تطمیع افراد حق طلب کارخانه به کسب و یا دادن حق السکوت، در مواردی که آنان لب به اعتراض می کشند.

۷- بکارگرفتن مقاطعه کاران و پیمانکاران کارخانه در ساختمان مسکونی خود به حساب کارخانه.

مدیرعامل برکنار شد که کارخانه به علت اجحاف هایی که در حق کارگران روا می داشت، پیوسته مورد تنفر آنان

چندی پیش سرپرست کارخانه شیر پاستوریزه کیلان - مرکز رشت - از طرف مسئولین از کار برکنار شد. در ارتباط با این مسئله، عده ای از کارکنان کارخانه، به نمایندگی از طرف کلیه پرسنل کارخانه، ضمن نامه ای، دلایل مخالفت خود را با مدیرعامل کارخانه برشمردند. ناگفته نماند که نامه مزبور به عنوان استاندارد کیلان، سرپرست هیئت پاک سازی کیلان، دادستان دادسرای انقلاب اسلامی رشت و مدیرکل اداره صنایع مادن استان کیلان ارسال شده است.

۱- بردن چوب وسیمان کارخانه برای ساختن منزل مسکونی،

۲- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۳- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۴- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۵- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۶- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۷- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۸- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۹- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۱۰- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۱۱- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۱۲- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۱۳- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۱۴- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۱۵- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۱۶- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۱۷- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۱۸- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۱۹- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۲۰- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۲۱- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۲۲- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۲۳- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۲۴- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۲۵- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۲۶- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۲۷- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۲۸- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۲۹- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۳۰- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۳۱- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۳۲- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۳۳- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۳۴- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۳۵- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۳۶- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۳۷- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۳۸- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۳۹- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۴۰- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۴۱- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۴۲- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۴۳- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۴۴- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۴۵- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۴۶- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۴۷- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۴۸- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۴۹- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۵۰- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۵۱- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۵۲- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۵۳- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۵۴- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۵۵- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۵۶- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۵۷- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۵۸- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۵۹- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۶۰- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۶۱- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۶۲- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۶۳- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۶۴- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۶۵- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۶۶- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۶۷- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۶۸- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۶۹- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۷۰- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۷۱- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۷۲- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۷۳- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۷۴- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۷۵- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۷۶- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۷۷- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۷۸- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۷۹- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۸۰- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۸۱- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۸۲- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۸۳- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۸۴- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۸۵- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۸۶- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۸۷- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۸۸- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۸۹- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۹۰- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۹۱- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۹۲- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۹۳- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۹۴- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۹۵- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۹۶- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۹۷- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۹۸- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۹۹- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

۱۰۰- بکارگرفتن کارگران کارخانه در کارهای شخصی،

ما اعضاء و هواداران صديق سازمان مجاهدين خلق ايران، كه بيش از "سازمان" خود به حقيقت و انقلاب تعهد دارند، به خواندن اين مقاله و داوري در باره دعواي آن دعوت مي كنيم.

«رهبري مجاهدين»

«چپ»
«ميكرو»
«چپ»
«يا»
«نيرو»
«فصله»

آقای رجوی "پیکار" را انقلابی می شناسد، ضد امپریالیسم می شناسد، "حریف اصلی" خود و "پیکار" را حریف واحدی می شناسد و مایل است تماماً - توجه بفرمائید: تماماً، یعنی با همه رمق و ظرفیت خود - به حمایت او برود، ولی "پیکار" گاه در "هدف گیری" اشتباه می کند و مشت ولگدی هم نثار حامی خویش، که در ضمن رقیب او در دعوی "رهبری" جنبش انقلابی است، می کند. با این همه نقاط مشترک استراتژیک، با داشتن "هدف" واحد و "حریف اصلی" مشترک، آیا می توان جایگاه مرغوب و آیدین شده‌ای را در "جنبه متحد نیروهای انقلاب" به دوستان "پیکار" انقلابی - با وجود بد اخلاقی شان - پیشکش نکرد؟

دومین عضو باشگاه انقلاب آقای رجوی، "چریک‌های اقلیت منشعب" هستند. باران لطف و مرحمت "مجاهدین خلق" بارها و با احساس مسئولیت مغربی سروروی این دوستان را شسته و صفا داده است. "اقلیت منشعب چریک‌های فدایی" هم از سنخ آن "نیروهای آکامارکسیستی" هستند که آقای رجوی آن‌ها را برای مصالح و لوازم "چارچوب اتحاد ضد امپریالیستی" لازم دارد. عشق و علاقه رهبری "مجاهدین خلق" به "اقلیت منشعب" از "سازمان فدائیان خلق" به حدی است که آن‌ها را به حاشای واقعیت موجود وامی دارد و در نقش پدرخوانده "جنبش انقلابی و وکیل مدافع "اقلیت منشعب"، ادعاینامه صادر می کند که گویا ایمن رجوی "حقیقت" داشتن فدائیان مخالف با ارزش‌های خود را منکر می شود و با لجبازی کودکانه‌ای فتوی می دهد که باید آن‌ها را "سازمان موسوم به اکثریت" (۱۴) خواند. و حجت را تمام می کند که:

"اقلیت چریک‌های واقعی" اند. وظیفه تمامی نیروهای انقلابی و مردمی است که... اگر منضمین راست "مقصود سازمان فدائیان خلق (اکثریت)" است، راساً نمی خواهند اقدام نمی کنند، به آن‌ها تمهیل کنند که دست از نام و نشان فدائی بردارند. (۱۵) "این که نمی شود هر کسی از سازمانی قهر کرد، بیاید و خودش را تکامل یافته آن معرفی کند." (۱۶)

آقای رجوی تصریح می کند که "اقلیت منشعب" "میراث‌دار افتخارات و جانبازی‌های تاریخی فدائیان خلق" (۱۷) است، و بیرون خود نمی آورد که حق بخشیدن با پی‌گرفتن "میراث" ها و "افتخارات تاریخی" خود درباره یک سازمان معتقد به مارکسیسم - لنینیسم، نه در اختیار و نه در صلاحیت اوست.

آیا خلق، طبقه کارگر و توده اعضای "سازمان فدائیان خلق" به قیام احتیاج دارند؟ آیا از نظر رهبری "مجاهدین خلق" این "صغار" می توانند درباره آن چه مستقیماً به زندگی و مصالح مبارزاتی شان مربوط است، خود تصمیم بگیرند؟ پس این بذل و بخشش‌ها و کرامت‌ها، از موضع "آقابالاسر" و "طلکار جنبش"، چه سیغی است؟

البته قابل درک است که این همه حرص و جوش و دلواپسی به خاطر "اقلیت منشعب"، دفاع از امر مشترکی است که "مجاهدین خلق" - با "اقلیت منشعب" در آن سهیم‌اند. و باز قابل درک است که این امر مشترک، مسأله عمده انقلاب و خلق، یعنی مسأله امپریالیسم نیست، زیرا "فدائیان اکثریت" و نیروهای نظیر دیگر، با وجود غیرقابل انکار بودن مواضع ضد امپریالیستی شان، از جانب رهبری "سازمان مجاهدین خلق"، "جز" جنبه متحد ارتجاع" و در صف "ضد جنبش" به حساب آمده‌اند. ما درسطور آتی به بررسی مضون "امر مشترک" "مجاهدین خلق" با متحدان انتخابی شان خواهیم پرداخت. علی الحساب باید راه را باز کنیم، تا "فدائیان واقعی" و "میراث‌داران افتخارات و جانبازی‌های تاریخی" وارد میدان "نیروهای متحد انقلاب" شوند.

سومین عضو "جنبه نیروهای انقلابی" مورد نظر "مجاهدین خلق"، "دورودسته قاسطلو" در حزب دموکرات کردستان است. رهبری "مجاهدین خلق" در سر بزنگاه، که طشت رابطه رضای قاسطلو و شرکاء با "تاتو" و دولت یعنی عراق از سرپام جهان افتاده، به یاری او شتافتند. متحدی که همه شرایط الفت و در راس آن‌ها "مبارزه مسلحانه با رژیم مرتجعین" را یکجا در خود دارد، این فرصت را می یابد، تا در دو شماره ۱۰۷ و ۱۰۸ ارگان "مجاهدین خلق"، هر چه می خواهد دل نکشش بگوید و، با همکاری خبرنگار "مجاهد"، از خود یک قدیس آزادی، یک شهید زنده، که زهربار توانفرسای رسالت، کوخچم کرده، بسازد. قاسطلو، به بین اتحاد ناگفته و به خرج "مجاهدین خلق" به پیچیده می افتد و هر شاه‌مادی را جز شایعه میهن پرستی و قهرمانی رنجبار خود تکذیب می کند:

- باور نکشید این افتخارا را...
- ولی آقای قاسطلو! این همه اسلحه که توی دست و بال شامت کس دیگری افترا نیست. رژیم یعنی عراق که به شما نذر و صدقه بدهکار هست. "مجاهدین خلق" به جای قاسطلو (و در نقش همیشگی وکیل مدافع، که دیگر جز "عادتشان شده است) جواب می دهند:
- این‌ها "تبلیغات مرتجعین... و همچنین اتهامات حزب ستوده

سراسر کشور، ارتجاع حاضر یعنی یکی از مهیب‌ترین نیروهای تاریخ ایران را با هوشیارترین و سنجیده‌ترین تاکتیک‌های سیاسی، کمرشکن کرده (ایم)، یعنی کاری که فقط به فقط از مجاهدین ساخته بود و بس. (۸)

وقتی ارتجاع حاضر و حاکم مهیب‌ترین نیروی تاریخ ایران وانمود شود، دمی‌ترین نتیجه‌ای که در ذهن می‌نشیند، این است که:
۱- صدرحمت به کفن دزد اولی، صدرحمت به شاه و رژیم ساواکی اش، که در قیاس با ارتجاع حاضر، کم تر خطرناک و "مهیب" بود.
۲- برای‌هایی از کابوس "یکی از مهیب‌ترین نیروهای تاریخ ایران"، می توان حتی به "بختیار" ها لبخند زد و از "خدمت" آن‌ها صرف نظر نکرد. هرچند آن‌ها این قدر "مهیب" نیستند.

۳- لیبرال‌ها که دیگر جای خود دارند. باید آن‌ها را روی سر گذاشت و، به اصطلاح معروف، حلوا حلوا کرد. مگر نه این که آقای رجوی "لیبرال-ها" را در کنار "آزادخواهان" صف می‌کند (صفحه ۱۵ - ستون سوم مصاحبه درباره "پیکار") و هر دو را آماج ارتجاع "مهلب" می‌نماید؟ و مگر نه این که آزادی، حتی با مفهوم مجرد و تهی از مضمون طبقاتی، - برای رهبری "مجاهدین خلق" کعبه آمال و برترین معیار است؟ پس زنده‌مساد متحدین لیبرال...
شگفتی آور و باورنکردنی است. اما آیا می توان از جملات و رهنمودهای "مجاهدین خلق" به برداشت دیگری رسید؟ آیا پیام آن‌ها - که دود غلیظ گمراهی تیره و مسمومش کرده است - به اندازه کافی رسا نیست؟
حتی اگر همه این توضیحات هم شما را قانع نکند، "مجاهدین خلق" خود برگ‌های بیشتری در اختیارات می گذارند.
آن‌ها پس از تعیین دشمن اصلی، پس از دریدن نقاب "یکی از مهیب‌ترین نیروهای تاریخ ایران"، باید متحدان خود را، در جهادی که با این "دشمن مهیب" دارند، معرفی کنند. و می‌کنند. این روی دوم سکه است. دقت کنید:

«جنبه متحد نیروهای انقلابی» به انتخاب «مجاهدین خلق»

اگر تا دیروز "مجاهدین خلق" با صراحت از نام بردن نیروهای که، به زعم آن‌ها، در جنبه انقلاب جای می‌گیرند، اجتناب می‌کردند، لاقبل نیروهای مقابل آن، یعنی "جنبه متحد ارتجاع" را، بی هیچ مجامله و ملاحظه‌ای می‌شناساند. آن‌ها بارها اعلام کردند که: مسلمانان پیرو خط امام خمینی، جنبش مسلمانان مبارز، فدائیان خلق (اکثریت) و حزب توده ایران "عناصر" جنبه متحد ارتجاع‌اند".

"هگل" می‌گوید: "هر فتی در حکم اثبات است." (۹)
"مجاهدین خلق" با نفی نیروها و سازمان‌های یاد شده، به اثبات "جنبه انقلابی" مورد نظر خویش نزدیک تر شدند، تا سرانجام، به همان سیاق "حل کردن یک قطره مرکب در یک سطل آب"، حرف اصلی شان را در پیچ‌وخم صدها صفحه مصاحبه و مقاله به پیچیدند و به مثابه نسخه شفابخش انقلاب، تقدیم تاریخ و نیروهای طرازنویین انقلابی کردند.
آقای رجوی، به عنوان پیش‌درآمد، این پایه را گذاشت که: "اصلی‌ترین تبلور انقلابی - سازمانی، در اوج گرفتن بازمجرب بیشتر مجاهدین متظاهر می‌شود." (۱۰) و بر این محور و مرکز نقل، شصت‌ها کلی دیگر نیروهای انقلاب، یا بجزبان دیگر، متحدان استراتژیک خود را در این مضمون عرضه کرد:

"از نیروهای آگاه مارکسیستی تقاضا می‌کنم که بخاطر زنده‌ساختن زخم‌های کهن و به خاطر حفظ چارچوبی که بتوان در آن اتحاد ضد-امپریالیستی تمام نیروهای خلق خلق گرفت، حرم اسلام انقلابی را در نشریات و تبلیغات نشان نگذارند." (۱۱)
"چارچوب اتحاد ضد امپریالیستی تمام نیروهای خلق" به همین اختصار، اما با روشنی هر چه تمام تر شکل می‌گیرد:

اولاً علوم می‌شود که این "چارچوب" از خود "مجاهدین خلق" به اضافه "نیروهای آگاه مارکسیستی" فراتر نمی‌رود.
ثانیاً با حذف قبلی و قطعی "حزب توده ایران" و "فدائیان خلق (اکثریت)" از "جرکه" مارکسیست‌های انقلابی، به "جرم" اتحاد با "یکی از مهیب‌ترین نیروی تاریخ ایران" و عضویت در "جنبه ارتجاع"، خطاب رهبر "مجاهدین خلق"، عملاً مخاطبی جز چپ‌روها و چپ‌نماهای خط‌چوری که داعیه "مارکسیسم انقلابی" را دارند، نمی‌یابد. پس آقای مسعود رجوی "اتحاد ضد امپریالیستی تمام نیروهای خلق" را توجه کنید: تمام نیروهای خلق - در پیوند "سازمان مجاهدین خلق ایران" با پاره‌ای از گروه‌های چپ‌رو و چپ‌نما سراغ می‌گیرد. اما کدام چپ‌روها؟ کدام چپ‌نماها؟
آقای رجوی عجلان "سازمان پیکار" را با انگشت نشان می‌دهد و تصریح می‌کند که:

"برخلاف حزب توده"، این "سازمان مارکسیست - لنینیست و مائوئیست، یک سازمان انقلابی است" (۱۲)
"پیکار" در چشم رهبری "مجاهدین خلق" از ارج و جاذبه و وسوسه‌های سرخوردار است. نمتنها "یک سازمان انقلابی است"، بلکه "حمایت کامل" از آن، در کارزار مشترک با به اصطلاح مرتجعین "سنی"، فریضه‌ای بارشود "مجاهدین خلق" است. فقط یک اشکال در میان است و آن ناساسی و بیرحمانگی جبلی "پیکار" است، که آقای رجوی با آزرده‌گی و عتاب از آن یاد می‌کند:

"... وقتی "پیکار" مورد هجوم واقع می‌شود، شما نمی‌توانید تماماً به حمایتش بروید، چرا که هیچ بعید نیست در وسط دعوا حریف اصلی را رها نموده و با خودتان دست به پنهان شود، یا به خاطر اشتباه هدف‌گیری، مشت‌ولگد را نثار خودتان کند" (۱۳)

سرانجام رهبری "مجاهدین خلق" از سایه روشن ابهامی که دور خود تنیده بود، بیرون آمد، و اگر چه ناخواسته، اما به ناگزیر، در زیر آفتاب ایستاد:

- این من، تماشا می‌کنید! همه آن‌چه را که در دل دارم، در چنگ گرفته‌ام. هیچ راز دیگری باقی نیست...

و در واقع نیز "مجاهدین خلق"، با سخاویتی کم‌نظیر به افشای خود پرداختند و کینه نظرات و عقایدشان را روی دایره ریختند. به سوال‌های بی‌جواب مانده‌ای که از مدت‌ها پیش روی دست آن‌ها تلنناز شده بود، پاسخ گفتند. جنبه متحد نیروهای انقلابی را از دیدگاه خود معرفی کردند، تاکتیک و استراتژی خود را، که آن‌همه به راز و رمز آمیخته بود، شرح دادند، حرف آخرشان را درباره حاکمیت کنونی زنده و از ریشه‌طبقاتی خود برده برداشتند.

می‌بینید؟ انقلاب چه اعجازها که نمی‌کند!
اما دچار خوشبینی مغرور هم نشوید. "مجاهدین خلق"، به روال گذشته، حرف‌هایشان را رک و پوست‌کنده، در سینی طلا تقدیم نکردند. همان‌طور که تاکید کردیم، ناگزیری آن‌ها را به سخن گفتن واداشته است، و به همین دلیل کمی در لغافه، گاه دو پهلوی، گاه با ایما و اشاره، گفته‌اند و گذشته‌اند. با همه این احوال، حرف آن‌ها اعتراف‌نامه روشن‌گر، اصل و بی‌بدلی است. برای برهیز از اطناب کلام، اجازه بدهید وارد اصل مطلب شویم و دفتر عقاید و اصول "مجاهدین خلق" را ورق بزنیم.

حاکمیت کنونی از دیدگاه «مجاهدین خلق»

"مجاهدین خلق" از گفتن حرف دل خود درباره حاکمیت کنونی پروا ندارند. آن‌ها عقیده باطنی شان را بریده بریده، گاه با زمزمه‌ای خفیف در لابلای حرف‌های دیگر، گاه با کنایه و نشانی دادن، و اغلب سوسپستولگی، بروز می‌دهند. اما کافی است پیرایه‌هایی را که آن‌ها به‌طور تصنعی به سر و روی نظرات و اظهارات خود می‌پیچند، تا آن‌ها از صراحت سینه‌ازند، بتکانیم. تا واقعیت خود به زبان قمشح با ما سخن بگوید. و در این صورت است که عمق تناقضی نکرتن رهبری "مجاهدین خلق" از پرده بیرون می‌افتد و روزنه‌ای به کلیت سرشت این جریان سیاسی، که اعتبار و بقای آن در گرو استوار هر چه ماهرتر این تناقضی است، می‌گشاید.

"مجاهدین خلق" نخست نیروی دست بالا در حاکمیت را "خردمرد-بورژوازی سنی" معرفی می‌کنند. شصت‌ها این "خردمردبورژوازی سنی" چگونه است؟ "مجاهدین خلق" توضیح می‌دهند:
"فرمالیسم مبتذل از ویژگی‌های اساسی اسلام بی محتوای خردمردبورژوازی سنی است." (۱)

"در دوران کنونی خردمردبورژوازی مذهبی را می‌توان وارث و ادامة تاریخی تصورات قشری از مذهب، در طول قرون و اعصار گذشته محسوب نمود، بخصوص افشار سنی آن به اعتبار قریبات‌های فرهنگی شان با تفکرات فئودالی... قشریت و شکل‌گرایی به‌صورت یکی از خصایص اولیه و عمده‌ترین خصیصه ذاتی تفکر این افشار درآمده است." (۲)

"خردمردبورژوازی سنی" به معنی طبقات محروم موضع نمی‌گیرد. (۳)
"ما دریافت خردمردبورژوازی از اسلام را، مظهری از شرک دانستیم فاقد اصالت و محتوای توحیدی تلقی می‌نماییم." (۴)
"ادراکات خردمردبورژوازی از اسلام... توجیه‌کننده منافع طبقات کم‌نمو روبه‌وزوال می‌باشد." (۵)

با این نشانه‌ها زمینه روانی تعویض عنوان "خردمردبورژوازی سنی" با "ارتجاع حاکم" سهی می‌شود. حالا آن‌ها تر می‌شود این "ارتجاع حاکم" را هم عرض امپریالیسم شناساند. چطور؟ اول با ذکر یک تاریخچه مختصر، که در جوف تئوری‌مظاهر مشتعل و انقلابی جا داده شده است:

"در قبال دولت موقت و کل سیستم... مجاهدین پدیده افول یا ضد خلقی شدن را از آغاز به‌صورت یک پدیده دینامیک، در حال جریان می‌دیدند." (۶)

اکنون راما باز شده است، تل‌گام بعدی برداشته شود و "پروسه افول" طی شده قلمداد گردد و "کل سیستم" و "ارتجاع حاکم" بر این سیستم، با مارک "ضد خلقی" در کنار امپریالیسم بنشیند:

"مجاهدین پیام‌ها و تاثرات سیاسی و عقیدتی خود را به میان توده‌های مردم برده و با افعال آن‌ها را از جنبه ارتجاع و امپریالیسم دور کرده‌اند" (۷)

"خردمردبورژوازی سنی"، با به لفظ مانوس "مجاهدین خلق" "ارتجاع حاکم"، به این ترتیب با یک چشم بندی طرف در "جنبه امپریالیسم" جایگزین می‌شود. اما این مگاشه بدیع به همین جا ختم نمی‌شود. بی‌جهت ما و شما با "قشری‌نگری" و ساده‌لوحانه خیال می‌کردیم که جنبه نیروهای متحد امپریالیسم از کلان سرمایه‌داران وابسته، زرگ‌مالکان، امرا خوب-چریده ارتش طاغوت، بوروکرات‌های فریب‌دهنده تا حد ترکیدن، ساواکی‌ها و اعوان و انصار آن‌ها، تشکیل می‌شود. بی‌جهت ما و شما لیبرال‌ها را، به مثابه جادو صافکن امپریالیسم، افشا می‌کردیم. چه غفلتی! مار در آستین بود و ما به دیگران ظنین بودیم. آخرین کشف "مجاهدین خلق"، که حتی دست رد به سینه تحلیل‌های قبلی خودشان می‌زند، راهزن واقعی انقلاب، زهر هلاهل، خطر بزرگ را برملا می‌کند: "خردمردبورژوازی سنی"، این ساحر و اعجوبه بازیگر...

"خردمردبورژوازی سنی" فقط یک عضو ساده "جنبه امپریالیسم" نیست، چیزی بیشتر از این‌هاست. به سخنان رهبر "مجاهدین خلق" توجه بفرمائید، تا گوشه دستتان بیاید:

- ارتجاع حاضر یکی از مهیب‌ترین نیروهای تاریخ ایران است. اجازه بدهید، برای رفع هرگونه سوء تفاهم، عین کلمات خود آقای رجوی را بکار ببریم:
"بهمت جراحات‌ها و شهادت‌های تمامی خواهان و برادرانمان در

است.
این بهانه جنگ عراق بودند، ایران و این صفا برداشت دو تن کرده‌اند خوانده‌اند و پایان نشود. از شما، هایش مولان دارند، مدرک، طرفه قلم جان کسب آفتاب سرکوت، این اما آفتاب حزب هد شناختن "مجاهد" بهین از سراسر حزب خرد هدایت که "جنبه" نداشتند.
اکثر رهبری دیگر اعضا محدود هایش، مجاهدین "روشنک" نگذارد دست شریازه و همان‌ها گوشان در داخل (۱۸) با تحریک (۱۹) (۲۰) کردستان (۲۱) و (۲۲) (۲۳)

(۱) و (۲) "مجاهد"، شماره ۱۱۱، ص ۸: "ورزشکسی تاریخی درک خردمرد بورژوازی از اسلام".
(۳) همان منبع، ص ۲۱
(۴) و (۵) "مجاهد"، شماره ۱۱۰، صفحات ۱۸ و ۱۷
(۶) "مجاهد"، شماره ۱۱۴، ص ۱۹
(۷) همان منبع، ص ۲۲: "ایرورتونیم چپ و چپ‌نمائی‌های پیکار".

(۸) "مجاهد"، شماره ۱۱۴، ص ۱۷
(۹) فلسفه هگل - و.ت. ستین، ترجمه حمید عنایت، ص ۴۲
(۱۰) "مجاهد"، شماره ۱۱۴
(۱۱) همان منبع، ص ۱۶
(۱۲) همان منبع، ص ۱۴
(۱۳) همان منبع، ص ۱۵

(۱۴) "مجاهد"، شماره ۱۰۹، ص ۹: "درباره" سیاست‌ها و نیروهای مختلف سیاسی (۲).
۱۵ و ۱۶ و ۱۷) همان منبع، همان‌جا

باهدین
حقیقت
داوری

آنسوی چهره بجاهدین خلق

رهبری «بجاهدین خلق» نیات قلبی اش را فاش می کند

زمانی "سازمان پیگار" به "بجاهدین خلق"، که خود از گوشت و پوست آن‌ها و موه تلخ تاریخشان بود، اندرز می داد:

"بجاهدین باید بدانند که هم‌پیمانان استراتژیک آن‌ها، جز نیروهای انقلابی کمونیست کسی نیست. این حقیقتی است که بارها در عمل ثابت شده و منطق بر ماهیت انقلابی و ضدامپریالیستی هردو می باشد." (۲۴)

و امروز واقعی بودن این داوری و مفهوم حقیقی این اندرز، باضوابط "پیگار" مابانه، به نحو غیرقابل تصویری آشکار می شود. این که "پیگار"، با آن سیرو سرگذشت بی نیاز از تفسیر، چگونه مخلوقی را "انقلابی" کمونیست می شناسد، احتیاج به شرح و توضیح ندارد. خود "بجاهدین خلق" با "مائوئیست" خواندن "پیگار" که طبیعت و جوهر تاریخی - طبقاتی آن را به نمایش گذاشته اند، و این همان جوهر ساهی است که تنها در عرصه ملی، که در مقیاس جهانی عفونت زمین و علاج پذیر خود را بروز داده است. اما این که "پیگار" با این خصوصیات، با بیماری های برآمده از این خصوصیات، در پهنائی "سازمان بجاهدین خلق" چه خواندماست که آنرا "هم‌پیمان استراتژیک" خود می خواند، این که در چه "عملی" ثابت شده، که "ماهیت" "بجاهدین خلق" و "پیگار" و شرکایش "منطقی" است، هم جای فکر و هم جای حرف دارد.

«بجاهدین خلق» دیروز، سازمان «پیگار» را «چپ‌نما»، «منحرف» و «خائن» به چشش معرفی می کردند، و امروز «پیگان»‌ها را «انقلابی» و عضو «جبهه متحده» خود می دانند. رهبری «بجاهدین خلق» با هر گام که به «پیگار» و شرکاء نزدیک شده، از نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست در ایران و جهان فاصله گرفته است.

"پیگار" انحصارا آتاریست‌هایی از نوع خود را، که از "انقلابی" بودن، تنها برخاسته و مخالف جوانی حرفه‌ای را استنباط می کند، "انقلابی" و "کمونیست" می شناسد. وقتی "پیگار" در ویرای دستان - کروجیهای وقت و بی وقت، سنگر برهمنامی خود را به "بجاهدین خلق" تعارف می کند و شعار می دهد که: "حمایت از بجاهدین خلق، وظیفه نیروهای انقلابی است"، حق است که سیاست خود که چنین "پیگار" را به وجد کفش ندارند، درباره حرکت و سیاست خود که چنین "پیگار" را به وجد آورده است، اندیشه کنند، حق است که اگر واقعا آن طور که وانمود می کنند - در چپ‌نمایی‌های پیگار، بازترین مصداق عینی و عملی اپورتونیسیم چپ (۲۵) را می بینند، از "انطباق" خود بر "ماهیت" انقلابی نیامانی چون "پیگار"، از پیشکش لقب "انقلابی" و "هم‌پیمان استراتژیک" از سوی "پیگار" به خود شک ورزند و ریشه ناپید و رهاشت نیرویی را که حداقل "بازترین مصداق عینی و عملی اپورتونیسیم چپ" است، در وجود خود بکاوند. آن آموزگار بزرگ انقلابی، که "بجاهدین خلق" به کرات به نقل قول‌های او استناد می کند، مورد و مصداقی نظیر مناسبات "بجاهدین خلق" و "پیگار" را در نظر داشت که گفت:

"بگو دوست تو کیست، تا بگویم چگونه هستی؟" (۲۶)

"بجاهدین خلق" اگر چه به ظاهر و به طور صوری فریاد می زنند که: "انحراف چپ‌روانه پیگار از مسیر اصولی، مشخصا در یک سکتاریسم (پروت‌انگادگی) شدید از توده‌های مردم و تمایلات ماجراجویانه و آتاریستی تظاهر می کند." (۲۷)

اما در عمل، "پیگار" را به گونه‌ای مسلح "نیروی انقلابی" می خوانند و با این جواز ناشی را در لیست "جبهه متحد نیروهای انقلاب"، یعنی یاران و متحدان طبیعی خود می نویسند. با دست پس زدن، با پا پیش کشیدن، در لطف نفی کردن، در عمل دست این موجود نفی شده را صیقل می دهند. این است روح واقعی مناسبات "بجاهدین خلق" با یاران سازمانی دیروز و متحدان جبهه امروزشان.

است. (۱۸)

بجاهدین خلق! شما کاسه داغ‌تر از آتش نشوید. خود قاسم‌لو، به این بهانه که "دولت به جنگ علیه ما افزوده"، اقرار می کند: "پس از شروع جنگ عراق و ایران رزمندگان کرد که عملیات نظامی را متوقف ساخته بودند، مجبور به دفاع از خود شدند." (۱۹) که یعنی حربه تعالی علیه ایران و به نفع رژیم بعثی عراق، از داخل کشوندند. از این گذشته، عین این مضامین در سندی که اخیرا اعضای تشکیلات سوما، سلماس، انزل، برادوست، شیران، نمایندگان پیشمرگان هیزهرمان، سرگردعیسی و تن از اعضای کنونی کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان منتشر کرده‌اند، تکرار شده است. این متعرضین، کنفرانس حزبی را فسرآ خوانده‌اند، تا بمقول خودشان "به انحرافات و حتی خیانت‌های سیدگی و پایان داده شود. تا جریان کردستان عراق در کردستان ایران تکرار نشود." (۲۰)

آیا مسئولان کنونی "حزب دموکرات"، که در قلب حوادث اند، کتر از شما، که از دور دستی بر آتش دارید، برای قضاوت قاسم‌لو و هم‌پایان‌هایش صلاحیت دارند؟ چرا آن‌ها باید دروغ بگویند؟ چرا رهبران و مسئولان دیگر "حزب دموکرات"، که به "طرفداران کنگره چهارم" شهرت دارند، درست با همین نظرات، باید دروغ بگویند؟ چرا ما این هم‌مسند و مدرک، این همه اعتراف و اعتراض را یاور نکنیم، و در عوض دعای یک طرفه قاسم‌لو و تبلیغات رادیو بغداد، بی بی سی را خوش‌مورانه نوش-جان کنیم؟

آقای مسعود رجوی به رقبای "پیگار"ی خود درباره مسائل کردستان سرکوت می زند که:

"این رهبران کردستان هستند که می توانند نظر بدهند... (۲۱)

اما معلوم نیست چرا خود به این بندگ‌نمایی پایبند نیست؟

آقای رجوی بخش قاسم‌لوی حزب دموکرات کردستان را "نخستین حزب هدایت‌کننده جنبش کردستان" (۲۲) می شناسد، و بر سنگ‌پایه این شناخت و مصلحت‌محاسبانه بودن مصاحبه‌های قاسم‌لو در نشریه "بجاهدین خلق" به "سازمان بجاهدین خلق" می بالد که: "طی دو سال گذشته بیش از همدسرت "عزیز" داشتن آرمان کردستان و بردن آن به میان توده‌های سراسر مردم موفق بوده است." (۲۳)

آرمان کردستان این همه "عزیز" ... آیا نخستین حزب هدایت‌کننده جنبش کردستان و پی‌پی‌برنده این آرمان، مکن است در صدر "جبهه متحد نیروهای انقلاب" مورد نظر رهبری "بجاهدین خلق" جایی نداشته باشد؟

آنکون که حدود و ثغور اصلی "جبهه متحد نیروهای انقلاب" از نظر رهبری "بجاهدین خلق" مشخص شده است، ضوابط لازم برای یافتن دیگر اعضای احتمالی این جبهه، چندان دشوار نیست. جبهه‌های که از شمال محدود است به "سازمان پیگار"، از جنوب به "حزب قاسم‌لو" و تفنگچی-هایش، از شرق به "چریک‌های منشعب (اقلیت)" و از غرب به "سازمان بجاهدین خلق"، چرا نباید گروه‌های همتا و همدان دیگری نظیر - "رزمندگان"، "راگراگر"، "اشرف دهقانی" و "کومله" را پشت در مسطل نگذارد؟

دسته گل آقای رجوی و دوستان در عین رنگارنگی و تنوع، یک شیرازه واحد دارد: همه این حضرات به خون حاکمیت کنونی تشنه‌اند. همان‌ها با تبر خشم و نفرت، به ریشه می زنند و همه یک از آن‌ها گوششان بدهکار نیست که، سرنوشتی رژیم فعلی، با همه کمبودها و نواقصش، در داخل و خارج از مرزهای ایران، قند در دل چه کسانی آب می کند؟

- ۱۸) "بجاهدین خلق"، شماره ۱۰۸: "نامه" دکتر قاسم‌لو به "لوموند" در رابطه با تحریف نظریاتی.
- ۱۹) "مصاحبه" بجاهدین خلق با آقای دکتر قاسم‌لو، "بجاهدین خلق" شماره ۱۰۷، ص ۲.
- ۲۰) سند صورت جلسه مسئولان تشکیلات یادشده حزب دموکرات کردستان.
- ۲۱ و ۲۲) "بجاهدین خلق"، شماره ۱۱۴، ص ۲۷.
- ۲۳) "بجاهدین خلق"، شماره ۱۱۴، مصاحبه برادر بجاهد مسعود رجوی، ص ۲۷.

"بجاهدین خلق" در روبروشی با "پیگار" زوایا و گوشه و کنار روح خود را، که همواره مکنون داشتن آن را بر ذمه خود می دانند، آشکار می کند. این نفس اصول چه بسا آگاهانه نیست. آثار و عوارض دیدن اثرهای از جان خویش درآئینه "پیگار" است. این دوغول‌های جداشده از هم، از عبق به یکدیگر جوش خورده‌اند. پیوندی خوبی، رابطه‌ای باطنی، فیر آن‌ها را به آشتی و کین آن‌ها را به مهر بدل می کند. زبان دشنام می‌دهد دل اما درود می‌فرستد. از هم می‌گسلند و به هم پشت می‌کنند، تا دوباره روبروی هم بایستند و دست نگران بدهند. دعوی آن‌ها، علی‌رغم تندرهای خشم که در آن می‌غرد و تئوره می‌کشد، یک دعوی خانوادگی است.

"بجاهدین خلق" ناچیز بودن پایگاه اجتماعی "پیگار" را تحقیر می‌کنند که:

"شا (پیگار) صرف‌نظر از منشی بسیار اندک و درموارد نواقطی انگشت شمار از روشنفکران چپ، از حمایت معنوی و مادی کدام طبقات یا اقشار، یا حتی صف‌های اجتماعی برخوردارید؟" (۲۸)

و آقای رجوی این تحقیر لفظی را مضاعف می‌کند که "پیگار" را نباید اصولا جدی گرفت (۲۹) و در همان حال برای این "منشی بسیار اندک"، برای این "روشنفکران" تک افتاده منزوی از خلق "که نباید آن‌ها را جدی گرفت"، فقط در یک وهله، ۳۴ صفحه کامل نشریه ارگان رسمی خود را اختصاص می‌دهند (۳۰) و جزئی‌ترین ایرادات و انتقادات آن‌ها را، بند به بند و نقطه به نقطه، به تفصیل و با حرارت نام، جواب می‌دهند. یعنی در حرف آن‌ها راهیج می‌انگارند، در عمل همه چیز، با زبان خفیف می‌کنند، تا دست بر بلندترین جایگاه مشغله ذهنی و سیاسی خود می‌نشانند.

"پیگار" هم به مقابله به مثل برمی‌خیزد. یک جا اغم می‌کند که

- ۲۴) "پیگار"، شماره ۸۷.
- ۲۵) "بجاهدین خلق"، شماره ۱۱۴، ص ۴۲.
- ۲۶) لنین.
- ۲۷) "بجاهدین خلق"، شماره ۱۱۴، ص ۱۴.
- ۲۸) همان منبع، ص ۲۵.
- ۲۹) همان منبع، ص ۲۴.
- ۳۰) "بجاهدین خلق"، شماره ۱۱۴، از صفحه ۹ تا ۴۲.

بجاهدین خلق "تسلیم طلب و سازشگراند" (۳۱)، "انحرافات راست‌روانه و تزلزلات و توهمات لبرالی دارند" (۳۲)، "فرصت طلب" و "فرمیت" اند (۳۳)، "همواره توده‌ها را به عقب کشیده و دنبال خط مشی سازشکارانه خود روانه کرده‌اند" (۳۴)، "توجه اصلی آن‌ها به بالا و عنایات بالائی-هاست" (۳۵). وجای دیگر، با دیدن آرا زیاد آقای رجوی در انتخابات مجلس، از شدت احساسات به رقص و پایکوبی درمی‌آید و فریاد می‌زند:

"این خود واقعیت رشد اجتناب‌ناپذیر و فزاینده نیروهای انقلابی را در میان توده‌ها، به طور انگارناپذیری آشکار می‌سازد." (۳۶)

"بجاهدین خلق" با زخم زبان "پیگار" را تخطئه می‌کنند:

"لوچ‌های تاریخ... چپ‌نماهای کاسیکار"، "بازترین مصداق عینی و عملی اپورتونیسیم چپ" (۳۷).

و "پیگار" در انتبان حاصلخیز ناسزا را می‌کشاید و جنگ جنگ بر سر و صورت "بجاهدین خلق" می‌پاشد:

"چندش آور" با "سیاست عمیقاً خرده‌بورژوازی" (۳۸).

سپس حریفان دست و دهان خود را پاک می‌کنند، به هم دست می‌دهند، صورت یکدیگر را می‌بوسند، کدورت‌ها را همراه آسپند و کدندر در آتش می‌ریزند و، به عنوان حسن ختام، به سینه هم مدال طلایی "انقلابی" نصب می‌کنند. "بجاهدین خلق" برای رونق "اتحاد ضد امپریالیستی تمام نیروهای خلق"، میان پیغمبران جرجیس را انتخاب می‌کنند و به جای "تمام نیروهای خلق" برای "این ملت بسیار اندک روشنفکران" کارت دعوت رسمی می‌فرستند و به این ترتیب به نصیحت خود درباره "جدی نگرفتن" "لوچ‌های تاریخ" تحقیق می‌بخشند! و "پیگار" هم حق نان و نمک را بجا می‌آورد. "زادیکالیزه شدن بجاهدین خلق" (۳۹) را به توده‌ها مژده می‌دهد، "گسترش دامنه نفوذ و پایه نیروهای انقلابی و مترقی و بخصوص سازمان بجاهدین خلق" (۴۰) را چون بهر روزی خود جار می‌زند و با حروف درشت در نشریه رسمی خود می‌نویسد:

"حمایت از بجاهدین خلق، وظیفه نیروهای انقلابی است." (۴۱)

وقتی دل‌هریگی باشد، لبخند من بر لب تو وانگ تو بر گونه منست.

اختلاف "بجاهدین خلق" با "سازمان پیگار"، اختلاف در اصول و هدف‌ها نیست، اختلاف در سلیقه‌ها و تاکتیک‌هاست، اختلاف بر سر رهبری است. این منشی شالوده‌ای از آقای مسعود رجوی، با همان لحن سیاست‌مدارانه و آمیخته با استعاره، تشریح می‌کند:

"پیگار به شخصی می‌ماند که شا هیچ وقت نمی‌تواند در کنار او راه برود، چرا که با از شما می‌خواهد پیوسته به دنبالش بیاید، با آن قدر در حین راه "غر" می‌زند و آزار می‌دهد که ناگزیر می‌شوید از او به میزان زیادی فاصله بگیرید." (۴۲)

آقای رجوی با زبیرگی ساله اصلی را می‌پوشاند، تا یک "فوق"، تا یک مساله، حاشیه‌های خود به خود برجسته شود و به صورت امری طبیعی و پذیرفته شده در ذهن بنشیند. "اصل" این است که آیا در اساس می‌تواند با "پیگار" مقصد مشترک داشته، یا نه؟ آیا "پیگار" همان چیزی را می‌خواهد و می‌تواند بخواهد که نیروهای واقعا انقلابی سرودای آند؟ آیا "پیگار" به قول شما "مائوئیست"، "جدا از توده"، "آتاریست"، "سکتاریست و ماجراجو" و "منحرف" درجاده انقلاب، به عنوان هم‌مسفر و همراه "بجاهدین خلق" مورد تأیید است، که بعد خوش اخلاقی و بسد اخلاقی، غرزدن با شیرین زبانی او مطرح باشد؟

آقای رجوی گله مند است که "پیگار" پیوسته از ایشان می‌خواهد به دنبالش برود. ما از آقای رجوی می‌پرسم: اصلا چرا باید "پیگار" را انتخاب کنید که ناچار باشد بین راه رفتن "دوگانه" او یا "پشت سرش" مقید باشید؟ "دوگانه" یک "منحرف"، "مائوئیست" و "آتاریست" چه فرق اساسی با "پشت سر" او دارد؟ آری، مساله فقط یک چیز است، یک امر موروثی: "رهبری" این انقلاب "بیشم و فلک زده"!

آقای رجوی به کلاه‌های از "پیگار" آداه می‌دهد:

"مخصوصا وقتی که درگیر و دار یک کارزار بسیار جدی، او (پیگار) مدام از شما می‌خواهد که همه اسرار و تاکتیک‌ها را به زبان بلند برای آردوی مقابل نیز فاش کنید، دیگر واقعا تحمل ناپذیری می‌شود." (۴۳)

ملاحظه می‌کنید که تحمل‌پذیری یا تحمل‌ناپذیری یک سازمان سیاسی، در درجه اول منوط به خصلت طبقاتی و آرمانی آن نیست، به نقش و ظرفیت تاریخی طبقاتی که این سازمان یکی از گردان‌های سیاسی آن است ربطی ندارد، به پیوند ماهوی و چگونگی رابطه این سازمان با خلق و انقلابی‌ترین پیشاهنگ آن و رابطه خلق و پیشاهنگ آن با این سازمان، به نحوه مناسبات این سازمان با تضاد اصلی جامعه و دشمن اصلی خلق، هیچ نسبتی ندارد. مساله از نظر آقای رجوی فقط سبب توجیهی "پیگار" است به اهدیت "حفظ اسرار" است. برهان تحمل ناپذیری "پیگار"، همین عادت زشت است که در عرصه "بجاهدین خلق" هیچ یک از مامی کبیره به کرد آن نمی‌رسد. چرا؟ مگر "بجاهدین خلق" چه اسراری دارند که از افشای آن تا این حد بیساکانند و ملامت عمده قضاوت خود را با تاهین این ترازو میزان کرده‌اند؟ آقای رجوی ما را به سرچشمه این راز هدایت می‌کند. این کلید درک سیاست متناقض و که اعتقادات "سازمان بجاهدین خلق" در شرایط کنونی است:

مساله اصلی این است که وقتی کسی مثل "پیگار" هیچ ابائی از زهر گونه تعجیل در کارچنگ داخلی در همین لحظه حاضر (یعنی در موقع نوشتن تحلیل) نیز ندارد، با کدام حساب‌گری و "تناسب قوا" پیروزی انقلابیون بقیه در صفحه ۶

- ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴) "پیگار"، شماره ۵۲ (ضمیمه) و شماره ۵۵ (۲۹ اردیبهشت ۵۹).
- ۳۵) "پیگار"، شماره ۵۷.
- ۳۶) "پیگار"، شماره ۵۰.
- ۳۷) "مصاحبه" مسعود رجوی: اپورتونیسیم چپ و چپ‌نمایی‌های پیگار.
- ۳۸) "پیگار"، شماره ۸۶ (جملات "پیگار" از مصاحبه آقای رجوی نقل شده است).
- ۳۹ و ۴۰) "پیگار"، شماره‌های ۹۰ و ۶۲.
- ۴۱) "پیگار" (به نقل از "بجاهدین خلق"، شماره ۱۱۴، ص ۱۷).
- ۴۲) "بجاهدین خلق"، شماره ۱۱۴، ص ۱۵.
- ۴۳) همان منبع، همانجا.

چهره واقعی...

بقیه از صفحه ۵

را در آن تضمین می‌کند؟" (۴۴)

"پیکار" هیچ ابائی از هرگونه تعجیل برای راه انداختن جنگ داخلی ندارد و از "مجاهدین خلق" می‌طلبد که این قدر این دست، آن دست نکنند، "شوه‌های سازشکارانه" و "فرصت‌طلبانه" را کنار بگذارند، "توده‌ها را از توهم بیرون بیاورند" و صاف و پوست کنده به حکومت اعلان جنگ دهند، همان‌طور که خودشان از مدت‌ها پیش در شیور این رزم محتوم تاریخی می‌دند:

— هر نوع دفع الوقت، فریب توده‌هاست. به قلب دشمن حمله کنیم. "مجاهدین خلق" اما "در لحظه حاضر"، با "حساب‌گری" و با توجه به "تناسب قوا" این جنگ را زودرس و بی‌تضمین می‌دانند. آن‌ها در اصل ضرورت جنگ داخلی برای سرنگون کردن "یکی از مهیب‌ترین نیروهای تاریخ ایران" که "از آغاز پدیده افول یا ضد خلقی شدن آن را به صورت یک پدیده دینامیک، در حال جریان می‌دیدند"، شبه‌های ندارند مساله فقط انتظار کشیدن برای زمان مناسب است. "پیکار" به ساقچه "چپ روی و انقلابی‌گری سرشت خود"، نااشکیا و شورشی است، با این انتظار کشیدن سرسازگاری ندارد، دیدن‌هایش را به هم می‌ساید، مثل سیر و سرکه می‌جویند، ناسزا می‌دهد، به "مجاهدین خلق" نیش می‌زند که شما با "این گرایشات شدید لیبرالی"، در پی "آشتی طبقاتی" هستید "مجاهدین خلق" لب به دندان می‌گردد:

— هوس... چرا می‌خواهید همه اسرار و تاکتیک‌ها را به زبان بلند برای اردوی مقابل فاش کنیم. جنگ داخلی را "اکثریت توده‌ها هنوز نمی‌خواهند. تکرار می‌کنم... هنوز نمی‌خواهند." (۴۵)

آقای رجوی روی کلمه "هنوز" می‌ایستد و دوبار این جمله را توی کله کودن "پیکار" می‌زند. آقای رجوی به "پیکار" تلویحا توصیه می‌کند که زبان ببندد و بازوی بکشد:

"پیکار" بیش از آن که خود را در قبال تغییر عملی مناسبات و روابط کهن اجتماعی مسئول بداند، به تشریح آن‌ها و به تشریح کسانی که عملا عزم تغییر این مناسبات را کرده‌اند، دل بسته است. (۴۶)

که یعنی:

"پیکار" حرف تغییر حاکمیت و مناسبات کنونی را می‌زند، "مجاهدین خلق" در عمل به این عزم تحقق می‌بخشد. "پیکار" وضع موجود را توصیف می‌کند، "مجاهدین خلق" در کار تغییر وضع موجودند.

نتیجه این که:

رفقای "پیکار"، شمشیرهایتان را غلاف کنید، ما یک سرو کردن از شما انقلابی‌تریم!

«مجاهدین دیروز» در جبهه مقابل «مجاهدین امروز»

"مجاهدین خلق" در روزی نه چندان دور، درباره "پیکار"، بر این اعتقاد بودند که:

"این یک جریان اپورتونیستی (انحرافی) چپ‌نماست که سردمداران آن به سازمان مجاهدین خلق ایران و در نتیجه جنبش خیانت‌گرومانند." (۴۷)

"مجاهدین خلق" در آن روز سرنوشت این جریان انحرافی را "خروج از جبهه خلق" (۴۸) رقم می‌زدند، و امروز این خائنان به خویش و جنبش خلق را "نیروی انقلابی و متحد استراتژیک خود" قلمداد می‌کنند. چه چیز در این فاصله تغییر کرده است؟ "پیکار"، همان "پیکار" است، اما "سازمان مجاهدین خلق" همان سازمانی نیست که عقیده داشت:

"مطلق کردن تضاد با سیستم حاکم و ندیده گرفتن مرزهای وحدت با بورژوازی کوچک، چیزی جز اپورتونیسم و انحراف نیست و نهایتا به سود امپریالیسم خواهد بود." (۴۹)

"مجاهدین خلق" در آن روز به چپ‌روها هشدار می‌دادند:

"مطلق کردن تضاد با سیستم حاکم، چنان‌که گوئی اوضاع مطلقا هیچ تغییری نکرده و فقط جای عکس‌ها عوض شده، نه تنها مبین یک تجزیه و تحلیل اشتباه، بلکه حاکی از رهنمودهای بس خطرناکی است که سلطه مجدد امپریالیسم را عملا بسیار هموارتر خواهد نمود... یک نیروی انقلابی باید... از این که عملا جاده صاف‌کن امپریالیست‌ها باشد، اجتناب ورزد." (۵۰)

"مجاهدین خلق" امروز نمتنها سیستم حاکم را هم عرض امپریالیسم وانمود می‌کنند، بلکه با زدن برجسب "یکی از مهیب‌ترین نیروی تاریخ انقلاب ایران" به پیشانی آن، ساقط کردنش را ضروری‌ترین مسئولیت انقلابی می‌نمایانند.

آن روز "مجاهدین خلق" می‌گفتند:

"کسی که بنای خود را فقط بر پایه ایرادات و بنیاد سست سایرین استوار می‌کند، سرانجام هیچ قوام و دوامی احراز نخواهد کرد." (۵۱)

و امروز، ارکان رسمی "مجاهدین خلق" جز بردن این ایرادات به زیر ذره‌بین و استوار کردن دیدگاه خود فقط و فقط بر "بنیاد سست سایرین" هویت دیگری احراز نمی‌کنند.

۴۴) همان منبع، ص ۲۴

۴۵) همان منبع، ص ۲۰

۴۶) همان منبع

۴۷) تحلیل آموزشی بنیانه اپورتونیست‌های چپ‌نما، از انتشارات "سازمان مجاهدین خلق ایران"، ص ۲.

۴۸) همان منبع، همان‌جا

۴۹) "مجاهد"، شماره ۹، ص ۸: "هنداری پیرامون چپ‌روی و چپ‌نمایی"

۵۰) همان منبع، همان‌جا

۵۱) همان منبع، همان‌جا

در اینجا خطاب ما به اعضای صدیق و توده‌ها و "سازمان مجاهدین خلق" است: آیا سازمانی که شما برای حضور در آوردگاه‌های سیاسی انتخاب کرده بودید، متحد "پیکار"، ستایشگر "قاسلو" و در تضاد مطلق و آشتی ناپذیر با "حاکمیت" بود؟ آیا شما از این که دست در دست کسانی بگذارید که خودتان آن‌ها را "خائن" نامیده‌اید، احساس کراهت و نفی و شکی نمی‌کنید؟ آیا با خود نمی‌اندیشید که این "خائن"، "منحرف"، "چپ‌نما" تا حد شما ارتقا یافته است، یا رهبری شما می‌خواهد "سازمان" را تا سطح این "خائنین به جنش" تنزل دهد؟ آیا می‌توانید باور کنید، رژیم که امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه برای درهم شکستنش سنگ تمام گذاشته‌اند، "یکی از مهیب‌ترین نیروهای تاریخ ایران" باشد؟ آیا عاقلانه می‌دانید که حاکمیت — به قول خودتان — خردمبورژوازی را، که از قضا نوع سنتی‌اش بیشتر از خردمبورژوازی جدید، انگیزه و ظرفیت انحصارستیزی دارد، در پیش پای لیبرال‌ها، که تنها افتخار و صلت با سیستم جهانی سرمایه امپریالیستی و تبدیل شدن به زائده آن است، ذبح انقلابی کنید؟ شما را چه می‌شود؟

آیا این شما نبودید که به چپ‌نماهایی که خردمبورژوازی را سرانجام طعمه امپریالیسم می‌دانستند، و در راستای این توهم دهنه خود را برای بریدن سر او تیز می‌کردند، نهیب می‌زدید:

"آیا می‌توان تصور کرد که به یکباره، در عرض چندماه لایمهای پائین قشر متوسط نقش تاریخی خود را از دست داده‌اند؟ و آیا به واقع می‌توان تصور نمود که در این مدت کم کارگران به چنان کیفیت ایدئولوژیک و سازمانی رسیده‌اند که بتوانند با عظیم انقلاب را به تنهایی به دوش کشند؟ و آیا اپورتونیست‌های چپ‌نما، در آغاز با نفی همین اصل وحدت نیروهای ضد امپریالیست "بمواقع اپورتونیست لیبرال" (۵۲)

آیا صدای خود را، که طنین آن از راه نسبتا نزدیکی می‌آید، نمی‌شناسید؟ آیا این شما نبودید که نفی‌کنندگان حاکمیت خردمبورژوازی سنتی را "چپ‌نما" و "اپورتونیست" و شکننده اصل وحدت نیروهای ضد امپریالیست" می‌خواندید، که یعنی: خردمبورژوازی حاکم را نیروی ضد امپریالیست و عضو ضرور جبهه خلق به حساب می‌آوردید؟ چه شده است که خود، علی‌رغم زنده‌بادن‌های دیروز، چنین به جان "اصل" "وحدت نیروها" افتاده‌اید؟ آیا این "اصل" شکلی را، که در مورد دیگران "چپ‌نمایی" و "اپورتونیسم" وصف می‌کردید، در مورد خودتان می‌توانید جز این بدانید؟

آیا شما نبودید که، علی‌رغم تنگ‌نظری‌ها، انحصارطلبی‌ها و تلوتلو خوردن‌های خردمبورژوازی حاکم، اندرز می‌دادید:

"اکنون با آشکار شدن عملکردهای ارتجاعی نظام موجود، به یکباره به نفی مطلق افتادن، دقیقا یک موضع‌گیری غیراصولی است." (۵۳)

آن تحلیل‌ها و برداشته‌ها کجا و نقطه نظرها و عملکردها و مناسبات امروزیان کجا؟ مجاهدین خلق! آیا در خلوت و خلوص خود، می‌توانید با قاضی کرده‌اید که، به کجا دارید می‌روید؟ یا چه کسانی دارید می‌روید؟ شما یک روز به بلواگران شبه انقلابی می‌آموختید:

"تا گه‌ان دستخوش امواج خود به خودی بازتاب‌های عملکرد اجتماعی سیستم حاکم شدن و تضاد خود را (با او) مطلق کردن، می‌تواند برای تداوم انقلاب دموکراتیک ضربه زنده بوده و در موضع‌گیری‌های سیاسی منجر به نفی اصل وحدت در مبارزه ضد امپریالیستی گردد." (۵۴)

و اکنون، با یک چرخش دوارانگیز، خود نخستین کسی هستید که رهنمودتان را به زمین می‌کوبید و لگدمال می‌کنید، خود فعال‌ترین و موثرترین نیروی هستید که به "ضربه زنده" تداوم انقلاب دموکراتیک" مبین ما بدل شده‌اید.

این تحول برق‌آسا و از این رو به آن روشن، نمی‌تواند بی‌حجت باشد. به قطب‌نمای خود نگاه کنید. جبهی را که عقربه شما نشان می‌دهد، نه تنها با موضع هیچ یک از نیروهای انقلابی و مبارز داخل کشور، که تا دیروز نزدیکترین همراهان و هم‌سنگران شما بودند، نمی‌خواند، بلکه مخالف جهت سیاسی و ارزشی کلیه نیروهای انقلابی جهان، از کمونیست‌ها گرفته، تا مسلمانان رزمنده، از احزاب کارگری، تا جنبش‌های آزادی‌بخش نیست. چرا؟ آیا این امر تصادفی است؟ انزوا از جریان خروشان انقلاب جهانی و جدا کردن حساب خود از آن، کرازای، به دست آوردن دوستی و رضایت گروه‌های تک افتاده، جدا از توده و چپ‌نمایی نظیر "پیکار"، آیا بده وستان باصرف‌های است؟ اگر این انزوا، که مستقیما بر سیاست و شی کنونی سازمان شماست، ادامه یابد، استعداد زیادی نمی‌خواهد که دورنما و سرانجام سازمان مبارزی را، که خون و آرمان "حقیقت‌نژاد" و وفاداران و پیشمرگان عاشق خلق هنوز در نام و نشان آن شعله می‌کند، پیش بینی کنیم. با انقلاب بودن یا علیه آن بودن، گاه به حسن نیت و سوادهای قلبی ربطی ندارد. این مرز خطیر چه سابه تارموشی بسته است. نگذارید این تارموش پاره شود. زمانی انقلابیون پاکدلی در مبین ما سرمشق درستی در برابر مبارزان گذاشتند. آن‌ها گفتند:

"با اصل کردن مبارزه با ارتجاع و با فراموش کردن چارچوب واقع-بینانه آن، یعنی مبارزه با امپریالیسم، نه تنها خدمتی به انقلاب نکرده‌ایم، بلکه آن را از مسیر اصلی به انحراف کشانده‌ایم." (۵۵)

مجاهدین خلق! شما به این "اصل" و "اعتقاد" باور دارید؟ آیا می‌دانید گوینده این سخن، که انگشت برنیش انقلاب نهاده، چه کسی است؟ گوینده این درس "سازمان مجاهدین خلق ایران" است، در آن روز که هنوز "پیکار" ها و "قاسلو" ها متحدان آن نبودند. آن انقلابیون پاکدل کجا رفتند؟ چرا خاموشی گزیده‌اند؟ آیا آن‌ها کسانی را که "مبارزه با ارتجاع را اصل کرده‌اند" و با این غفلت، "مبارزه با امپریالیسم" را در عمل به صورت یک مساله فرعی درآورده‌اند، هنوز هم "منحرف کنندگان مسیر انقلاب" می‌دانند؟

(۵۲) "مجاهد"، شماره ۸، ص ۲، مقاله: "در یک انقلاب مکتبی وضد امپریالیستی نمی‌توان از توان انقلابی هیچ قشر و طبقه‌ای صرف‌نظر کرد."

(۵۳) همان منبع، همان‌جا

(۵۴) "مجاهد"، شماره ۸، مقاله: "دانشگاه و انقلاب" (۳)

(۵۵) همان منبع، همان‌جا

یک نمونه

پروازش

از واگذاری

اراضی

به دهقانان

سرانجام، دهقانان روستای کروج توانستند با همکاری نهادهای انقلابی منطقه و از جمله هیئت ۷ نفری تحت نظر شورای ده، کلیه زمین‌های ۴ مالک بزرگ و وابسته رژیم طاغوت این روستا را به ۱۵۰ نفر از دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین واگذار کنند.

این روستا در ۱۵-۱۰ کیلومتری غرب فلاورجان از توابع لنگران سفلی قرار دارد و جمعیت آن بالغ بر ۱۵۰ خانوار (۸۰۰ نفر) است. سطح زمین‌های زیر کشت ۱۲۰ هکتار است. در حال حاضر زمین‌های معادله شده به قطعات ۵ تا ۴۰ هکتار چریب در اختیار گروه‌های ۷ تا ۱۰ نفره گذاشته شده است، تا پیشک مشاع مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

این اقدام باعث شده است که تمام زمین‌های روستا به بهترین وجهی بهره‌کشی رود. دهقانان ۳۰۰ هکتار چریب (۳۰ هکتار) از زمین‌ها را، که هم‌اکنون مرق (شیرین) و علف پوشانده بود، شخم زده‌اند و آماده کشت کرده‌اند. نوع کشت را، برای آنکه لطمه به زمین‌های همجوار وارد نیاید، شور تعیین می‌کند.

به همت دهقانان، دیگر حتی یک وجب زمینی که باقی مانده باشد، یافت نمی‌شود. در حدود ۵۰ هکتار چریب باغ‌بخرج اهالی روستا تحت نظر شور اداره می‌شود. آب زراعی این روستا توسط چاه و نهی کماز رودخانه مستحب می‌گردد، تا مبنی می‌شود. بر این روستا ۴ مالک چنگ انداخته بودند، از سقاها را با شش کشت سابق امفغان بود و نماینده مجلس شورای ضدملی سابق.

یکی دیگر از مالکین باخبر زمین‌های دهقانانی که ورشکسته می‌شدند، مالک شد. یکی از دهقانان میگفت: "همین یکسال پیش، وقتی یکی از مالکین، کندم‌ها را بوسیله کمباین درو کرد، بزدا و رقیمت تا سقا‌های صحرا را از او بخریم، کندم‌ها پیمان را در آن بپرانیم، ولی او سقا‌ها را با شش کشتد و پیمان داد و گفت: "پرومی شوید! آنها زند و مرد را به بیگاری می‌گرفتند."

دیگری می‌گوید: "سال ۲۲ با عدای از دهقانان رفتم بمقدار زمینی را که مرق و علف پوشانده بود، شخم زده و بزرگ کشت ببریم، ولی به دستور مالک، ژاندارم‌ها بجان ما ریختند و همراکت بسته روانه زندان ساختند. وقتی ما را می‌بردند، بهر مردی خطاب به مالک گفت: اینها مثل بچه‌های توستند. چرا اینقدر بلا بر سر آنها می‌آوری. ولی او، با اشاره‌ای بزرگنداق و لگدنماند ما کشید. " از این روستا، گذشته از جوانانی که به خدمت سربازی اعزام شده‌اند و اکنون در جبهه هستند، تعدادی نیز خود داوطلب گشته‌اند.

اهالی روستای کروج به اندازه وسعتان کمک‌های زیادی به جبهه کرده‌اند. از جمله تا بحال دو ماشین خاور پوشاک، پتو و خوراکی به جبهه فرستاده‌اند.

شرواگذاری زمین‌های ۴ بزرگ مالک طاغوتی به دهقانان از حلال معلوم است. دهقانان حتی یک وجب از زمین‌ها را با این گذاشته‌اند. برخلاف تبلیغات بزرگ مالکان و طرفدارانشان، که گویند اثر اصلاحات ارضی، "سطح کشت پایین آمده"، واقعیت‌ها و هم‌تو کوشش دهقانان تودهنی محکم بر دهان این یاوه‌گویان است.

